



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی

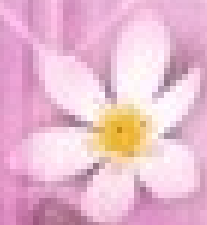


عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

۲۵ سخن پیرامون شخصیت

حضرت فاطمه زهرا



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بيست و پنج سخن پيرامون شخصيت حضرت فاطمه زهرا عليها السلام

نويسنده:

اکبر دهقان

ناشر چاپي:

حرم

ناشر ديجيتالي:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۹	بیست و پنج سخن پیرامون شخصیت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام
۹	مشخصات کتاب
۹	اشاره
۱۳	پیش گفتار
۱۵	۱. نام های مبارک حضرت فاطمه
۱۵	اشاره
۱۶	وجه نام گذاری فاطمه
۱۷	وجه نامگذاری زهرا
۱۸	وجه نام گذاری طاهره
۱۸	وجه نام گذاری محدثه
۱۹	وجه نام گذاری بتول
۱۹	علت نام گذاری حضرت فاطمه به امانیها
۲۱	۲. حضرت فاطمه در قرآن کریم
۲۱	اشاره
۲۱	۱. آیات خاص؛
۲۲	۲. آیات عام؛
۲۳	۳. شباهت های حضرت زهرا به قرآن کریم
۲۸	۴. تفسیر سوره کوثر
۲۸	اشاره
۲۸	شأن نزول
۲۸	تفسیر
۳۱	نکته ها
۳۵	۵. سخنان معصومین پیرامون حضرت فاطمه

۳۵ اشاره
۳۸ حضرت فاطمه از دیدگاه دانشمندان اهل سنت
۳۹ ۶. سخنان حضرت فاطمه
۴۳ ۷. فضایل و مناقب حضرت فاطمه
۴۶ ۸. شخصیت ممتاز حضرت فاطمه
۴۹ ۹. شناخت حضرت فاطمه
۵۳ ۱۰. سیره علمی و عملی حضرت فاطمه
۵۳ ۱. رضایت همسر
۵۳ ۲. مایه آرامش همسر
۵۴ ۳. تواضع در برابر همسر
۵۵ ۴. عدم تقاضا از همسر
۵۵ ۵. به زحمت نینداختن همسر
۵۶ ۶. حجاب
۵۸ ۷. عبادت
۵۸ ۸. اخلاق و رفتار فاطمه
۵۹ ۹. علاقه به زیارت قبور شهدا
۵۹ ۱۰. تدارکات جبهه رزمندگان
۵۹ ۱۱. کار در منزل
۶۰ ۱۲. دفاع از امام زمان خویش
۶۱ ۱۱. ایثارگری حضرت فاطمه
۶۱ اشاره
۶۴ نمونه ای از ایثارگری حضرت فاطمه
۶۷ ۱۲. نگاهی به خطبه حضرت فاطمه
۶۷ حمد در برابر نعمت ها؛
۶۸ شهادت به وحدانیت خداوند؛
۶۸ شهادت به رسالت پیامبر اکرم؛

۶۸	فضایل قرآن؛
۶۹	فلسفه احکام؛
۷۰	معرفی خویشتن؛
۷۰	یادی از جاهلیت؛
۷۰	فضایل حضرت علی؛
۷۱	رفاه طلبی مردم؛
۷۲	چند نکته پیرامون خطبه حضرت فاطمه
۷۴	۱۳. محبت به اهل بیت، مزد رسالت
۷۴	اشاره
۷۶	چند نکته پیرامون آیه (موده ذی القربی)
۷۹	۱۴. معنای حدیث «
۸۲	۱۵. برکات حضرت فاطمه
۸۶	۱۶. شباهت های حضرت فاطمه به امیرالمؤمنین
۸۹	۱۷. شباهت های حضرت مهدی به حضرت فاطمه
۹۰	۱۸. فضیلت حضرت فاطمه بر پیامبران
۹۳	۱۹. فضیلت حضرت فاطمه بر حضرت مریم
۹۶	۲۰. کرامت های حضرت زهرا
۹۶	اشاره
۹۶	لباس های بهشتی
۹۸	غذای بهشتی
۹۸	نور لباس فاطمه
۹۹	گردش آسیاب
۱۰۰	نور فاطمه
۱۰۱	شگفتی های قبل از تولد
۱۰۱	حرکت دیوارهای مسجد
۱۰۳	۲۱. ترس فاطمه از خداوند متعال

- ۱۰۷ ۲۲. اذیت شدن حضرت فاطمه
- ۱۱۲ ۲۳. مظلومیت حضرت فاطمه
- ۱۱۲ اشاره
- ۱۱۳ انواع ظلم
- ۱۱۷ ۲۴. هجوم به بیت وحی و دفاع از مقام ولایت
- ۱۲۱ ۲۵. شفاعت حضرت فاطمه
- ۱۲۱ شفاعت در قرآن کریم
- ۱۲۳ شفاعت در روایات
- ۱۲۷ درباره مرکز

بیست و پنج سخن پیرامون شخصیت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام

مشخصات کتاب

سرشناسه : دهقان، اکبر، 1344 -

عنوان و نام پدیدآور : 25 سخن پیرامون شخصیت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام / مولف اکبر دهقان.

مشخصات نشر : قم: حرم، 1388.

مشخصات ظاهری : 119 ص.

شابک : 20000 ریال : 1-36-7585-964-978

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

عنوان گسترده : بیست و پنج سخن پیرامون شخصیت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام.

موضوع : فاطمه زهرا (س)، 8؟ قبل از هجرت - 11ق.

موضوع : فاطمه زهرا (س)، 8؟ قبل از هجرت - 11ق. -- احادیث

رده بندی کنگره : 1388 9ب93د/BP27/2

رده بندی دیویی : 297/973

شماره کتابشناسی ملی : 7 3 6 2 0 1 2

ص: 1

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: 2

25 سخن پیرامون شخصیت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام

مؤلف اکبر دهقان.

مشخصات نشر: قم: حرم، 1388.

ص: 3

سخن گفتن پیرامون شخصیت یگانه بانوی دنیا و آخرت مقدور افراد عادی و متعارف نیست، زیرا فهم و درک انسان عاجز از آن است که بتواند مقام و منزلت رفیع بضعه نبوت و همسر ولایت و مادر امامت را بشناسد. چنانکه حضرت صادق می فرماید: «انما سمّیت فاطمة لأنّ الخلق فطموا عن معرفتها».

حضرت فاطمه به اندازه ای در نزد خداوند متعال محبوب است که بعد از رحلت پیامبر اکرم فرشتگان با او سخن می گفتند، از این رو محدثه نامیده شده است. (1)

پیامبر اکرم او را پاره تن و نور چشم و میوه قلب خویش معرفی کرده است؛ «انّ فاطمة بضعة منّی هی قرّة عینی و ثمرة فؤادی». (2)

ص: 5

1- . بحار الانوار ج 43 ص 78

2- . امالی صدوق 393

و امیرالمؤمنین او را عامل آرامش جان خود دانسته که به وسیله نگاه کردن به او، تمام غم و غصه های زندگی از بین می رود؛ «لقد كنت أنظر إليها فتنكشف عني الهموم والأحزان»⁽¹⁾.

آن بزرگوار به حدی واجد کمالات نفسانی و فضایل اخلاقی و عرفانی است که حضرت مهدی با اینکه به برکت وجود او رزق مردم تأمین می شود و نظام آسمان و زمین پابرجاست «بیمنه رُزق الوری و بوجوده ثبتت الأرض و السماء»، آن بانوی بافضیلت و باکرامت را اسوه و الگوی خود می داند؛ «و فی إینه رسول الله لی أسوة حسنة»⁽²⁾.

صدیقه کبری سید و سرور تمام زنان عالم در طول تاریخ و نخستین زنی است که وارد بهشت می شود و به وسیله شفاعت او در قیامت انسان های گنه کار نجات می یابند و به سعادت ابدی نائل می گردند.

امیدوارم خداوند توفیق پیروی از دستورات اهل بیت عصمت و طهارت را به همگان عنایت و مرحمت بفرماید.

کتابی که در پیش رو دارید بیست و پنج سخن پیرامون شخصیت ممتاز حضرت فاطمه زهرا است که در ایام فاطمیه سال 1388 توفیق نگارش آن حاصل شد.

اکبر دهقان

ص: 6

1- . بحار 43 134

2- . بحار الانوار ج 53 ص 180

1. نام های مبارک حضرت فاطمه

اشاره

عن ابی عبدالله: «لفاطمة تسعة أسماء عند الله (عزوجل): فاطمة و الصديقة و المباركة و الطاهرة و الزكية و الراضية و الرضية و المحدثه و الزهراء»⁽¹⁾.

از امام صادق نقل شده است که فاطمه در نزد خدا نُه اسم دارد: فاطمه، صدیقه، مبارکه، طاهره، زکیه، راضیه، رضیه، محدثه، زهرا.

وعن ابی الحسن: «لما ولدت فاطمة سمّاها الله تبارك و تعالی فاطمة»:

از امام رضا نقل شده که خداوند تبارک و تعالی فاطمه را فاطمه نامید.

نام های دیگری هم برای فاطمه در روایات عنوان شده است از جمله: بتول، حصان، حره (آزاده)، سیده، عذرا، حورا، انسیه، مریم کبری، صدیقه الکبری، سماویه، حانیه، مرضیه، نوریه و منصوره...⁽²⁾ برخی کنیه های حضرت عبارتند از: امّ الحسن، امّ الحسین، امّ المحسن، امّابیه، امّ الائمه.⁽³⁾ و جا دارد در يك کلمه گفته شود: فاطمه امّ الفضائل است.

ص: 7

1- . بحار الانوار ج 43 ص 10

2- . القطره ج 2، ص 273

3- . بحار الانوار ج 43 ص 16 و 18

درباره علت نام گذاری فاطمه به نام های مختلف، مطالبی بیان شده است.

عن ابی عبدالله: «انّما سمیت فاطمه لأن الخلق فطموا عن م عرفتها»:

فاطمه نامیده شده چون مردم از شناختن او عاجزند.

عن علی قال: «سمعت رسول الله يقول سمیت فاطمه لأنّ الله فطمها و ذریتها من التّار من لقی الله منهم بالتّوحید و الایمان بما جئت به»:

علی از رسول خدا نقل می کند که فاطمه را فاطمه نامیدند زیرا خدا او و ذریه او را که موحد هستند و به آنچه بر من نازل شده ایمان آورده اند از آتش دور می دارد.

و نیز از رسول خدا نقل شده که: دخترم فاطمه نامیده شد زیرا خدا، او و محب او را از آتش بریده است: «انّما سمیت ابنتی فاطمه لأنّ الله (عزوجل) فطمها و فطم من أحبّها من التّار».(1)

از امام صادق نقل شده: فاطمه را فاطمه نامیده اند چون از شر بریده شده است.(2) این تعبیرات که محب یا ذریه زهرا که موحد باشند از آتش دوزخ نجات می یابند، اشاره به مقام شفاعت حضرت زهرا می باشد که شفاعت حضرت شامل کسانی که زمینه شفاعت را فراهم کرده باشند، می شود.

ص: 8

1- . بحار الانوار ج 43 ص 18

2- . بحار الانوار ج 43 ص 12

امام باقر می فرماید خداوند به فاطمه فرمود: «أنتي فطمتك بالعلم»: من شیر علم را به تو نوشاندم. مرحوم مجلسی در شرح این حدیث می گوید: «فطمتك بالعلم یعنی ارضعتك بالعلم حتی استغنیت و فطمت او قطعتك عن الجهل بسبب العلم»: من شیر علم را به تو نوشاندم یعنی به تو علم و آگاهی دادم تا بی نیاز شدی یا تو را به وسیله علم از جهل جدا کردم.

بعد می گوید این عبارت کنایه از این است که آن حضرت از ابتدای خلقش عالم به علوم ربانی بوده است. «کونها فی بدو فطرتها عالمه بالعلوم الربانیة»⁽¹⁾.

وجه نامگذاری زهرا

از امام صادق نقل شده که فاطمه را زهرا نامیدند زیرا برای او قُبه ای از یاقوت در بهشت است که وقتی اهل بهشت آن را می بینند می گویند این شکوفایی از فاطمه است. «سمیت فاطمه الزهراء لأن لها فی الجنة قبة من یاقوت یراها اهل الجنة فیقولون هذه الزهراء لفاطمة»⁽²⁾. همچنین می فرماید: فاطمه را زهرا نامیدند زیرا وقتی در محراب عبادت قرار می گرفت، نور او بر اهل آسمان ها آشکار می شد.⁽³⁾ و

ص: 9

1- . بحار الانوار ج 43 ص 13

2- . بحار الانوار ج 43 ص 16

3- . علل الشرایع ج 1 ص 215

می فرماید: زهرا نامیده شده زیرا هر روز در سه نوبت با نورانیت خود بر امیرالمؤمنین آشکار می شد. (1) همچنین می فرماید: چون فاطمه از نور عظمت خدای سبحان آفریده شده است، زهرا نامیده شده است. (2)

وجه نام گذاری طاهره

عن ابی جعفر: «انما سمیت بنت محمد طاهره لطهارتها من کل دنس و طهارتها من کل رفث و ما رأت قط يوماً حمرةً ولا نفساً». (3)

از امام باقر نقل شده است که فرمود: فاطمه را طاهره نامیدند، زیرا از هر آلودگی و قبح و زشتی پاک بود و فاطمه هرگز خون حیض و نفاس مشاهده نکرد.

وجه نام گذاری محدثه

فاطمه محدثه نامیده شده زیرا ملائکه بر او نازل می شدند و با او سخن می گفتند. همان گونه که بر مریم نازل می شدند و گفتگو می کردند.

عن ابی عبد الله: «انما سمیت فاطمةً محدثهً لأن الملائكة كانت تهبط من السماء فتناديها كل تنادي مریم بنت عمران». (4)

ص: 10

1- . علل الشرايع ج 1 ص 214

2- . القطره ج 1 ص 268

3- . بحار الانوار ج 43 ص 19

4- . بحار الانوار ج 43 ص 78

وجه نام گذاری بتول

فاطمه را بتول نامیدند زیرا از همانندی منقطع شده است. عن ابی عبدالله: «سمیت فاطمه بتولاً لأنها بتلت عن النظر».

علت نام گذاری حضرت فاطمه به اُمّایها

هر مادری درباره فرزندش سه نقش و مسؤولیت را ایفا می کند: حمل، تغذیه، حراست. و حضرت فاطمه در این سه جهت نقش اساسی را (درباره ره آورد وحی و رسالت پدرش پیامبر اکرم، یعنی دین اسلام) ایفا کرد. اگر حضرت فاطمه نبود، علوم و معارف اسلامی به وسیله او و فرزندان معصومش به مردم حمل و منتقل نمی گشت و مردم از آداب و سنن و دستورات اسلامی تغذیه و اشباع نمی شدند و از دین اسلام حراست نمی شد.

در زمان پیامبر اکرم دین اسلام همانند يك كودك بود که به وسیله معارف حضرت فاطمه و فرزندانش این كودك رشد پیدا کرد.

علاوه برای حفظ آن سینه سپر نموده و با تمام وجود از اسلام حفاظت و حراست کردند و جان خود را در این راه تقدیم کردند.

برخی گفتند همان طوری که مادر به فرزندش خدمت می کند، حضرت فاطمه نیز به پیامبر خدمت می کرد، از این رو «امّ اییها» نامیده شده است.

بعضی گفته اند همان طوری که فرزند در دامن مادر رشد پیدا می کند، نبوت و رسالت پیامبر اکرم در دامن فاطمه رشد پیدا کرد.

اینها برخی از نام های مبارك و پرمعنای فاطمه می باشد. امید است که دختران خویش را همانم زهرا بنامیم. وقتی دختر همانم زهرا شد، دیگر نمی توانی به او اهانت کنی یا او را كتك بزنی که اینها از برکات همانم فاطمه شدن است.

ص: 12

2. حضرت فاطمه در قرآن کریم

اشاره

در قرآن کریم آیات فراوانی وجود دارد که به حضرت فاطمه تأویل و تطبیق شده و آن بر دو دسته است: برخی از آیات به طور خاص بر فاطمه و برخی از آیات به طور عام شامل آن حضرت می شود. به نمونه ای از آنها اشاره می شود:

1. آیات خاص؛

الف. «اصطفاك» در آیه (إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَىٰ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ) (1)

ب. «نساءنا» در آیه (فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَابْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ). (2)

ج. «ذی القربی» در آیه (وَآتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ). (3)

د. «ذکر کثیر» در آیه (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا) (4)

ص: 13

1- . آل عمران 42 - صافی ج 1 ص 262

2- . آل عمران 61 صافی ج 1 ص 268

3- . اسراء 26 وسائل الشیعه ج 6 ص 366

4- . احزاب 41 وسائل الشیعه ج 4 ص 1022

2. آیات عام؛

الف. «صالحین» در آیه (وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا). (1)

ب. «شجره طیبه» در آیه (أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ). (2)

ج. «اهل بیت» در آیه تطهیر (إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا). (3)

د. «بحرین» در آیه شریفه (مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ). (4)

ه. «یطعمون» در آیه (وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا). (5)

و. «یؤثرون» در آیه (وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ). (6)

برخی از آیات به حضرت فاطمه تأویل شده است مانند:

الف. «لیلة مبارکة» در آیه شریفه (إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ). (7)

ص: 14

1- . نساء 69 بحار الانوار ج 24 ص 31

2- . ابراهیم 24

3- . احزاب 33 صافی ج 2 ص 351

4- . الرحمن 19

5- . دهر 8 - صافی ج 2 ص 770

6- . حشر 9 صافی ج 2 ص 684

7- . دخان 3-4

ب. «کوکب دری» در آیه نور (اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِثْلِ نَارٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ مِصْبَاحٌ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ). (1)

ج. «احدی الکبر» در آیه (إِنَّهَا لِأَحَدِي الْكُبَرِ * نَذِيرًا لِلْبَشَرِ). (2)

د. «کلمات» در آیه (فَتَلَقَّى آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ). (3)

3. شباهت های حضرت زهرا به قرآن کریم

1. گذشت روزگار هیچ کدام را فرسوده نمی کند؛

امام رضا درباره قرآن فرمودند: «فهو في كل زمان جديد...».

در روایات حضرت فاطمه به عنوان «سیده نساء العالمین» معرفی شده که برتری آن حضرت امری مستمر و همیشگی است.

2. هردو دارای کرامت اند؛

(إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ). (4)

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى السَّيِّدَةِ الْكَرِيمَةِ». (5)

ص: 15

1- . نور 35 بحار الانوار ج 23 ص 24

2- . مدثر 35 و 36 بحار الانوار ج 43 ص 23

3- . بقره 37 بحار الانوار ج 26 ص 324

4- واقعه 77

5- . بحار الانوار ج 102 ص 220

3. هردو دارای سیادت اند؛

پیامبر اکرم فرمود: «یا علی سید الکلام القرآن».(1)

«فاطمة سيدة نساء العالمين من الاولين و الآخريين».(2)

4. هردو الگو و رهبر هستند؛

پیامبر اکرم: «عليكم بالقرآن فاتخذوه اماماً وقائداً».(3)

حضرت مهدی فرمودند: «و فی ابنة رسول الله لی اسوة حسنة».(4)

حضرت فاطمه نه تنها برای حضرت مهدی، بلکه برای همه انسان ها الگو است.

5. هردو موصوف به صداقت اند؛

خداوند در قیامت به قرآن خطاب می کند: «یا حجتی فی الارض و کلامی الصادق سل تعط و اشفع تشفع».

در زیارت نامه حضرت فاطمه می خوانیم: «السلام عليك ايتها الصديقة الشهيدة».(5)

6. هردو برای مؤمنان مایه بشارت اند؛

ص: 16

1- . مجمع البيان ج 1 ص 361

2- . بحار الانوار ج 43 ص 26

3- . نهج الفصاحة ص 419

4- . بحار الانوار ج 53 ص 180

5- . بحار الانوار ج 97 ص 199

(1) إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ

در زیارت نامه آن حضرت می خوانیم: «صل علی... سیده النساء و مبشرة الاولیاء». (2)

7. هردو بینه و حجت هستند؛

(3) فَقَدْ جَاءَكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ

«اشهد انك مضیت علی بیّنة من ربك». (4)

8. هردو از جانب خداوند هستند؛

(5) وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ

بر درب بهشت نوشته شده فاطمه برگزیده خداوند است «فاطمة خيرة الله». (6)

9. محبت به هردو مایه مصونیت از عذاب است؛

خداوند قلبی که قرآن را بپذیرد عذاب نمی کند «لا يعذب الله قلباً وعى القرآن». (7)

ص: 17

1- . اسراء 9

2- . بحار الانوار ج 97 ص 200

3- . انعام 157

4- . بحار الانوار ج 97 ص 200

5- . مائده 48

6- . فضائل الخمسة ج 3 ص 48

7- . كنز العمال ج 1 ص 535

قال رسول الله: «أما سميت ابنتي فاطمه لأن الله عزوجل فطمها و من أحبها من النار». (1)

10. هردو مبارك اند؛

(كِتَابُ أَنْزَلْنَا مُبَارَكًا). (2)

یکی از نام های حضرت زهرا مبارکه است (3)، علاوه بر این که وجود آن حضرت نیز برای اسلام و مسلمین مبارك بود.

11. هردو نور خداوند هستند؛

(وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا). (4)

جابر از امام حسین سؤال کرد چرا فاطمه را زهرا نامیدند؟ فرمودند چون خداوند او را از نور عظمت خود آفرید «لأنّ الله عزوجل خلقها من نور عظمته». (5)

12. هردو عزیز و نفوذناپذیرند؛

(وَ إِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ). (6)

ص: 18

1- . بحار الانوار ج 43 ص 15

2- . انعام 92

3- . بحار الانوار ج 43 ص 10

4- . نساء 174

5- . بحار الانوار ج 43 ص 12

6- . فصلت 41

فاطمه زهرا در روز قیامت در حالی که در هودجی از نور نشسته و بر مرکبی سوار است، در عرصه محشر ظاهر شده، آری آن حضرت انسیه و عزیزه است «علیها هودج من نور فیه جاریة انسیة عزیزة».(1)

13. هردو شافع اند؛

پیامبر اکرم فرمود: «نعم الشفیع القرآن لصاحبه یوم القیامة».(2)

حضرت فاطمه نیز از علاقه مندانش شفاعت می کند «انما امرت بعبدی هذا الی النار لتشفعی فیه فاشفعک».(3)

14. هتک حرمت به هردو بی احترامی به خداوند است؛

قال رسول الله: «من لم یوقر القرآن فقد استخف بحرمة الله».(4)

قال رسول الله: «من آذى فاطمة فقد آذانی و من آذانی فقد آذى الله».

ص: 19

1- . بحار الانوار ج 27 ص 129

2- . نهج الفصاحه ص 633

3- . بحار الانوار ج 8 ص 50

4- . الحیاه ج 2 ص 139

4. تفسیر سوره کوثر

اشاره

(بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ)

إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ * فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ * إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ)

شان نزول

عاص بن وائل که از سران شرک بود، پیامبر اکرم را به هنگام خروج از مسجدالحرام ملاقات و مدتی با حضرت گفتگو کرد. گروهی که در مسجد نشسته بودند و این منظره را دیدند به عاص بن وائل گفتند با چه کسی سخن می گفتی؟ گفت با این مرد ابتر. این تعبیر را به این جهت انتخاب کرد که فرزندان پیامبر به نام قاسم و عبدالله از دنیا رفته بودند و عرب کسی را که پسر نداشت ابتر و بلاعقب می نامید. این سوره در پاسخ به آن فرد نازل شد.

تفسیر

الف. قرآن کریم در این سوره در چند محور سخن می گوید: بیان نعمت کوثر به پیامبر اکرم، دستور به نماز خواندن و قربانی کردن برای خداوند به شکرانه نعمت بزرگ و ابتر بودن دشمن پیامبر اکرم.

ص: 20

ب. این سوره در پی سوره ها و آیات قبل، به منظور تعظیم و تکریم از مقام پیامبر اکرم است، مانند (لَا أَقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ * وَأَنْتَ حِلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ) و (وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ) و (وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى). (1)

ج. با این که سخن از گوینده صادقی چون پروردگار است، نیازی به تأکید ندارد، در عین حال جمله را با حرف تأکید «ان» و با ضمیر متکلم آغاز کرده تا مضمون آن را استوارتر سازد. (2)

د. کوثر به معنای خیر کثیر است و درباره تفسیر آن اقوال زیادی نقل شده است: نهری است در بهشت. حوض خاص پیامبر در بهشت یا در محشر. اولاد پیامبر. اصحاب پیامبر. علمای امت. قرآن کریم. مقام نبوت. تفسیر قرآن. توحید. مقام محمود و تا 26 قول نقل کرده اند. (3)

ه. مرحوم علامه طباطبایی می فرماید صاحبان دو قول اول به برخی از احادیث تمسک کرده اند، اما سایر اقوال هیچ دلیلی ندارد، لیکن با در نظر گرفتن جمله (إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ) استفاده می شود که مقصود از کوثر تنها کثرت ذریه ای است که خداوند به پیامبر عنایت فرموده یا منظور، هم خیر کثیر است و هم کثرت ذریه. (4)

ص: 21

1- . تفسیر کبیر ج 23 ص 218

2- . نوین ص 355

3- . المیزان ج 20 ص 370

4- . المیزان ج 20 ص 370

و. فخر رازی از دانشمندان اهل سنت گوید: قول سوم این است که این سوره بر رد کسانى نازل شده که عدم وجود فرزند را بر پیامبر عیب می گرفتند؛ بنابراین معنای سوره این است که خداوند به پیامبر نسلی عطا می کند که در طول زمان باقی می ماند، خود بنگر چه اندازه از اهل بیت را شهید کردند. در عین حال جهان از آنها مملو است این در حالی است که از بنی امیه شخص قابل ذکری باقی نمانده، سپس بنگر و بین چقدر علمای بزرگ در میان ذریه پیامبرند، مانند باقر و صادق و رضا و نفس زکیه. (1)

ز. در این که منظور از «نحر» چیست، وجوهی ذکر شده است: قربانی کردن، نماز روز عید قربان و قربانی در همان روز، رو به قبله ایستادن به هنگام نماز و بلند کردن دستها به هنگام تکبیر در نماز که این معنا در روایتی از امام صادق نقل شده است. (2)

ح. تعبیر به «وَأَنْحَرُوا» از ماده «نحر» که مخصوص کشتن شتر است، شاید برای آن باشد که در میان قربانی ها شتر از اهمیت بیشتری برخوردار است و مسلمانان نخستین علاقه بسیاری به آن داشتند و قربانی کردن شتر بدون ایثار و گذشت ممکن نبود. (3)

ص: 22

1- . تفسیر کبیر ج 32 ص 124

2- . مجمع البیان ج 10 ص 550

3- . تفسیر نمونه ج 27 ص 373

ط. «ابتر» در اصل به معنای حیوان دم بریده است و انتخاب این تعبیر از سوی دشمنان اسلام به منظور هتک و توهین بود و «شانیء» از ماده «شنان» به معنای عداوت و کینه است و این تعبیر بیانگر آن است که عداوتشان همراه با قساوت و رذالت بود و در دشمنی خود کمترین ادب را نیز رعایت نمی کردند. (1)

نکته ها

1. جهت اینکه تعبیر به «اُتَا» به صورت جمع نمود آن است که دلالت بر عظمت هدیه نماید. هدیه اگرچه اندک باشد زمانی که از شخص بزرگ (خداوند متعال) به انسان برسد بسیار باارزش است، چه برسد به این که هدیه خودش «کوثر» باشد که دارای ارزش و عظمت خاصی است. (2)

2. در آیه شریفه متعلق بیان نشده و به صورت مطلق آمده است، بنابراین، کوثر شامل همه مصادیق خیر در دنیا و آخرت می شود که کثیر آن مخصوص پیامبر اکرم است. (3)

ص: 23

1- . تفسیر نمونه ج 27 ص 375 مجمع البیان ج 10 ص 836

2- . صفوه التفاسیر ج 6 ص 612 تفسیر کبیر ج 32 ص 310

3- . اطیب البیان ج 14 ص 243

3. از اینکه خطاب را به صورت مفرد آورد «أَعْطَيْنَاكَ» و ضمیر جمع «کم» نفرمود، برای آن است که خطاب کاملاً صمیمانه و دوستانه باشد.

4. در این سوره از پیامبر اکرم به نحو خاصی تجلیل شده و آن این که خداوند متعال پنج بار او را مخاطب قرار داده است.

5. در این سوره دو خبر غیبی بیان شده است: الف. خیر کثیر را به پیامبر مژده می دهد که پیامبر بدون نسل نخواهد ماند. ب. دشمنان او ابتر خواهند بود. (1)

6. این سوره کوچک ترین سوره قرآن کریم است و همه فصحای عرب و عجم از آوردن همانند این سوره نیز ناتوان مانده اند و این دلالت بر اعجاز قرآن کریم دارد زیرا علی رغم تلاش فراوان آنان از مقابله با چنین سوره ای نیز اظهار عجز کردند. (2)

7. واژه هایی که در این سوره به کار رفته تنها یک مرتبه در قرآن بیان شده است، چون پیامبر اکرم در جهان امکان بی نظیر است، سوره ای که در عظمت او نازل شده نیز بی نظیر است.

8. بزرگ ترین عطیه و نعمت خداوند که کوثر است در کوچک ترین سوره بیان شده است.

ص: 24

1- . مجمع البیان ج 10 ص 838

2- . مجمع البیان ج 10 ص 838

9. در این سوره ارتباط با مردم در ردیف ارتباط با خداوند مطرح شده است، از این رو بعد از دستور به نماز، دستور به قربانی و کمک به مستمندان بیان شده است.

10. قرآن کریم بعد از اعطای کوثر نمی فرماید «فاشکر»، بلکه فرمود: «فَصَلِّ». جهتش آن است که شکر بر سه قسم است: لسانی، قلبی و عملی، و موضوع نماز مشتمل بر هر سه قسم شکر است. (1)

11. عدول از ضمیر به اسم ظاهر یعنی به جای «صل لنا» قرآن کریم فرمود: «فَصَلِّ لِرَبِّكَ» به دلیل آن است که اشاره کند به این که برای ربوبیت خداوند باید او را عبادت کرد. (2)

12. در عبادت قصد قربت و اخلاص لازم است، در «فَصَلِّ لِرَبِّكَ»، لام مفید اختصاص است.

13. هرگاه دشمنان اسلام به پیامبر نسبت ناروا دادند، خداوند از پیامبر دفاع کرد و پاسخ آنها را داد:

الف. به پیامبر، ابتر گفتند، خداوند فرمود: دشمن تو ابتر است؛ (إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ).

ص: 25

1- . روح المعانی ج 30 ص 246 تفسیر کبیر ج 32 ص 129

2- . التحریر و التنویر ج 30 ص 574

ب. به پیامبر نسبت جنون دادند، خداوند فرمود: (مَا أَنْتَ بِنِعْمَةٍ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ). (1)

ج. به پیامبر گفتند اصلاً تو رسول نیستی؛ (وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا) (2)، خداوند فرمود: (يَس * وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ * إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ). (3)

د. به پیامبر گفتند تو شاعر هستی؛ (وَيَقُولُونَ إِنَّا لَنَرِيكَ لَشَاعِرًا مَجْنُونًا) (4)، خداوند فرمود: (وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشُّعْرًا). (5)

ه. به پیامبر گفتند چرا مثل مردم در بازار راه می رود و غذا می خورد؟ (وَقَالُوا مَا لِهَذَا الرَّسُولِ يَأْكُلُ الطَّعَامَ وَيَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ) (6)، خداوند پاسخ داد: (وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا إِنَّهُمْ لَيَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَيَمْشُونَ فِي الْأَسْوَاقِ). (7)

ص: 26

1- . قلم 2

2- . رعد 43

3- . یس 1-3

4- . صافات 36

5- . یس 69

6- . فرقان 7

7- . فرقان 20 غرائب القرآن ج 6 ص 579 تفسیر کبیر ج 32 ص 321

14. راغب در مفردات گوید: ابتر به کسی گویند که یاد او از خیر منقطع شده باشد. بنابراین کسی که پیامبر اکرم را سرزنش کند، قطعاً از هر خیری محروم است. جمله (إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ) مفید حصر است. (1)

15. میان آغاز و پایان، تطابق وجود دارد. «کوثر» یعنی خیر کثیر که به پیامبر عنایت شده است. «ابتر» یعنی محروم از هر خیر که مربوط به دشمن پیامبر است. (2)

5. سخنان معصومین پیرامون حضرت فاطمه

اشاره

1. پیامبر اکرم فرمود: اگر زیبایی شخص بود در فاطمه تجلی پیدا می کرد. به درستی که فاطمه دختر من برترین اهل زمین از حیث عنصر و شرافت و کرامت است: «و لو كان الحسن شخصاً لكان فاطمة بل هي اعظم ان فاطمه ابنتي خير اهل الارض عنصراً و شرفاً و كراماً». (3)
2. حضرت علی فرمود هرگاه به او نگاه می کنم غم و اندوه من برطرف می شود؛ «و لقد كنت انظر اليها فتتكشف عني الهموم و الاحزان».

ص: 27

1- . صفوه التفاسير ج 3 ص 612

2- . صفوه التفاسير ج 3 ص 612

3- . فرائد السبطين ج 2 ص 68

3. امام مجتبی فرمود: مادرم از سر شب تا به صبح برای مؤمنین دعا می کرد، به او عرض کردم چرا برای خودمان دعا نکردی؟ فرمود: «الجار ثم الدار».

4. امام حسین فرمود پیامبر اکرم فرمود: «فاطمة بهجة قلبی و ابناها ثمرة فؤادی و بعلها نور بصری».(1)

5. امام سجاد: «و لم یولد لرسول الله من خدیجة علی فطرة الاسلام الا فاطمة».(2)

6. امام باقر: «اتما سمیت فاطمة بنت محمد (الطاهرة) لطهارتها».(3)

7. امام صادق: «حرّم الله علی ما دامت فاطمة حية لأئها طاهرة لا تحيض».(4)

8. امام کاظم: «لا یدخل الفقر بیتاً فيه اسم محمد او احمد او علی او الحسن او الحسين... او فاطمة من النساء».(5)

ص: 28

1- . فرائد السبطين ج 2 ص 66

2- . روضه کافی ص 536

3- . بحار الانوار ج 43 ص 19

4- . مناقب ج 3 ص 33

5- . سفینه البحار ج 1 ص 662

9. امام رضا از پیغمبر اکرم نقل می کند که آن حضرت فرمود هرگاه مشتاق بهشت می شوم فاطمه خود را می بویم؛ «... فکلّما اشتقت الى رائحة الجنة شممت رائحة ابنتی فاطمة». (1)

10. شخصی به امام جواد عرضه داشت من به نیابت پیامبر و ائمه معصومین و فاطمه زهرا طواف مستحبی انجام می دهم. حضرت فرمود طواف به نیابت مادرمان فاطمه بهترین عملی است که تو انجام می دهی؛

11. امام هادی: قال رسول الله: «أثما سمیت ابنتی فاطمة لأنّ الله عزوجلّ فطمها و فطم من احبّها من النار». (2)

12. شخصی از امام حسن عسکری پرسید چرا فاطمه را زهرا گویند؟ فرمود: «كان وجهها يزهر لأميرالمؤمنين من اول النهار كالشمس الضّاحية وعند الزّوال كالقمر المنير وعند غروب الشّمس كالکوکب الدّریّ». (3)

13. امام مهدی: «وفی ابنة رسول الله لی اسوة حسنة». (4)

ص: 29

-
- 1- . عوالم العلوم و المعارف ج 6 ص 10
 - 2- . فاطمه بهجه قلب المصطفى ص 12
 - 3- . فاطمه بهجه قلب المصطفى ص 13
 - 4- . بحار الانوار ج 53 ص 179-180

ابن صباغ مالکی در فصول المهمه صفحه 143 گوید: فاطمه زهرا دختر کسی است که پدرش بهترین انسان است و آیه شریفه (سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ) درباره اوست و حضرت فاطمه به اجماع دانشمندان سیده است؛ بنت من انزل عليه (سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ) بنت خیر البشر الطاهرة الميلاد السیده یا جماع اهل السداد».

علامه محمد بن طلحه شافعی گوید: امامام معصوم که دارای امتیازاتی هستند، خداوند به واسطه اتصال آنها به فاطمه زهرا فضیلت و شرافت بیشتری به آنها عنایت کرد و از آیه مَبَاهِلَهُ (نِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُم) می توان عظمت فاطمه را فهمید. (1)

ابن ابی الحدید گوید: پیامبر اکرم از حضرت فاطمه تکریم بزرگی به عمل آورد. بیش تر از آنچه مردم گمان می کردند و بیشتر از اکرام دختران دیگرش. به حدی که به طور مکرر در برابر عام و خاص می فرمود: «أَنَّهَا سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ». و چه بسیار این جمله را فرمود: «يُؤْذِنِي مَا يُؤْذِيهَا وَيَغْضِبُنِي مَا يَغْضِبُهَا وَأَنَّهَا بَضْعَةٌ مِنِّي». (2)

ص: 30

1- . مطالب السؤال ص 6-7

2- . شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج 9 ص 193

6. سخنان حضرت فاطمه

جلال الدین سیوطی گوید جمیع روایاتی که از حضرت فاطمه نقل شده به 10 حدیث نمی رسد؛ جمیع ما روتہ فاطمة رضی اللہ عنہا من الحدیث لا یبلغ عشرة احادیث. (1)

حافظ بدخشانی گوید: آنچه از فاطمه زهرا روایت شده 18 حدیث است؛ فثمانیة عشر حدیثاً. (2)

نویسنده کتاب ارزشمند «بهجة قلب المصطفى» گوید من استقصاء تام نکردم غیر از خطبه معروف آن حضرت 84 حدیث را از عامه و خاصه نقل می کند که از حضرت فاطمه روایت شده است.

1. حضرت فاطمه فرمود: ... ما حجت خداوند و وارث پیامبران هستیم. «نحن حجتہ فی غیبتہ و نحن ورثة انبیائہ». (3)

2. حضرت فاطمه فرمود: پیامبر اکرم وقتی وارد مسجد می شد می گفت: «اللہم اغفر لی ذنوبی وافتح لی ابواب رحمتک» و هرگاه از مسجد خارج می شد می گفت: «اللہم اغفر لی ذنوبی وافتح لی ابواب فضلک». (4)

ص: 31

1- . سیوطی ص 52

2- . سیوطی ص 53

3- . شرح نهج البلاغه ج 16 ص 216

4- . مسند احمد ج 6 ص 129 فرائد السبطين ج 2 ص 69

3. حضرت فاطمه زهرا فرمود: وقتی پدرم در حال احتضار بود من بسیار متأثر و ناراحت بودم، به من فرمود نزدیک بیا، وقتی نزدیک شدم فرمود تو اولین شخصی هستی که به من ملحق می شوی، من مسرور شدم. «ثم اخبرني اني اول اهله لحوقاً به فضحكت». (1)
4. حضرت فاطمه به مردم فرمود: آیا سخن پیامبر اکرم درباره غدیر خم که فرمود هرکس من سرپرست او هستم پس علی سرپرست اوست و نیز سخن آن حضرت به علی که فرمود تو نسبت به من مانند هارون نسبت به موسی هستی را فراموش کرده اید؟ «انسیتم قول رسول الله يوم غدیر خم من كنت مولاه فعلى مولاه وقوله انت مني بمنزلة هارون من موسى». «من اصعد الى الله خالص عبادته اهبط الله اليه افضل مصلحته». (2)
5. حضرت فاطمه فرمود هرکس عبادت خالص را به سوی خداوند تقدیم کند و به بالا بفرستد، خداوند بهترین مصلحت خود را برای او مقرر می سازد. «من اصعد الى الله خالص عبادته اهبط الله اليه افضل مصلحته». (2)
6. پیامبر اکرم از اصحابش پرسید در چه زمانی زن به خداوند نزدیک است؟ آنان نتوانستند پاسخ دهند. از حضرت زهرا سؤال شد، فرمود: موقعی که زن در منزل باشد و از منزل خارج نشود. پیامبر فرمود:

ص: 32

1- . مسند احمد ج 6 ص 282

2- . بحار الانوار ج 71 ص 84

فاطمه پاره تن من است. «ادنی ما تكون من ربها ان تلزم قعر بيتها قال رسول الله ان فاطمة بضعة مني».(1)

7. مردی به حضرت فاطمه زهرا رسید و عرض کرد آیا از پدرت چیزی به شما رسیده تا ما را بهره مند سازی؟ حضرت به کنیز خودش فرمود دست نوشته را بیاور. کنیز گفت آن را نمی یابم. حضرت فرمود وای بر تو. آن را پیدا کن، به درستی آن سخنان به اندازه حسن و حسینم ارزش دارد. «اطلبیه افاثها تعدل عندی حسناً و حسیناً».

پیامبر فرمود: «لیس من المؤمنین من لم یأمن جاره بوائقه و من کان یؤمن بالله و الیوم الآخر فلا یؤذی جاره و من کان یؤمن بالله و الیوم الآخر فلیقل خیراً او یسکت ان الله یحب الخیر الحلیم المتعفف و یبغض الفاحش الضنین...»:

از مؤمنین نیست کسی که از آزار همسایه در امان نباشد. کسی که به خدا و قیامت معتقد است، نباید همسایه اش را اذیت کند و نیز به خوبی سخن بگوید و الا سکوت کند همانا خداوند انسان بردبار عقیف را دوست دارد و انسان بدزبان بخیل را مبعوض دارد.

8. حدیث کساء از فاطمه زهرا نقل شده است.(2)

9. حدیث ثقلین نیز از فاطمه نقل شده است.(3)

ص: 33

1- . بحار الانوار ج 43 ص 92

2- . دلائل الامامه 1

3- . ینابیع الموده 40

10. حضرت فاطمه به حضرت علی عرضه داشت نزدیک من بیا تا از تمام حوادث گذشته و آینده به شما خبر دهم. «ادن لأحدثك بما كان و بما هو كائن و بما لم یكن الی یوم القیامة».(1)

11. محمود بن لبید گوید از حضرت فاطمه پرسیدند چرا امیرالمؤمنین از حق خویش دفاع نکرد؟ حضرت فرمود: «مثل الامام كالکعبة اذ تؤتی و لا یأتی» کنایه از اینکه مردم باید ولایت او را بپذیرند.

12. حضرت فاطمه فرمودند هرکس به شخصی از فرزندان من خدمت کند و او پاسخ نگوید، من جبران خواهم کرد. «ای ما رجل صنع الی رجل من ولدی صنیعة فلم یکافئه علیها فأنا المکافی له علیها».(2)

13. حضرت فاطمه از پدرش پیامبر نقل می کند که وقتی انسان مریض می شود خداوند به فرشتگان گوید اعمال خوبی که بنده من در حال سلامت انجام می دهد، پاداش آن را در حال مرض نیز ثبت کنید. «اكتبوا لعبدی اجر ما کان یعمل فی صحته».(3)

14. حدیث شریف اعمال مستحبی قبل از خواب مانند «سه بار سوره توحید را خواندن که ثواب ختم قرآن را دارد و صلوات بر پیامبر و پیامبران قبل که عامل شفاعت می شود و استغفار که عامل رضایت

ص: 34

1- . عوالم المعارف ج 11 ص 6-7

2- . بحار الانوار ج 96 ص 225

3- . فاطمه بهجه قلب المصطفی ص 303

پروردگار می گردد و جمله «سبحان الله والحمد لله و لا اله الا الله والله اكبر» که ثواب حج و عمره را دارد»، از حضرت فاطمه نقل شده است. [\(1\)](#)

7. فضایل و مناقب حضرت فاطمه

حضرت فاطمه دارای فضایل و کمالات بی شماری است، از جمله:

1. صدیقه است؛ از امام صادق پرسیدند چرا حضرت علی همسرش را غسل داد؟ فرمود: «لأنّها صدیقة و لا یغسلها الا صدیق» که از این جمله عصمت آن حضرت استفاده می شود.

چه اینکه از جمله پیامبر اکرم «ان الله یغضب لغضب فاطمة و یرضی لرضاها» نیز عصمت حضرت فاطمه استفاده می شود. [\(2\)](#)

2. حضرت فاطمه شخصیتی بود که سرور و اندوه او مایه شادمانی و اندوه پیامبر اکرم می شد «فاطمة بضعة منی من سرّها فقد سرّنی و من ساءها فقد ساءنی». [\(3\)](#)

ص: 35

1- . فاطمه بهجه قلب المصطفی ص 304

2- . بحار الانوار ج 43 ص 19

3- . بحار الانوار ج 43 ص 23

3. فاطمه شخصیتی بود که در نزد پدر بزرگوارش حساب ویژه داشت، از این رو وقتی آیه شریفه (لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا) [\(1\)](#) نازل شد، حضرت فاطمه به پدرش عرضه می داشت: «یا رسول الله». پیامبر فرمود این آیه درباره قریش نازل شد نه درباره تو، اگر به من پدر بگویی مرا زنده ساختی و خداوند را خشنود ساختی «قولی یا ابة فإِنَّهَا أَحَبُّي للقلب و أرضی للرب» [\(2\)](#).

4. از آنجا که فاطمه نزد پیامبر اکرم موقعیت ویژه ای داشت، پاداش تسبیح را به او هدیه کرد. امام صادق می فرماید هیچ چیزی مانند تمجید خدا بهتر از تسبیح فاطمه عبادت نشده و اگر بهتر از آن بود پیامبر آن را به دخترش هدیه می داد. «ما عبد الله بشيء من التمجید افضل من تسبیح فاطمة و لو كان شيء افضل منه ل نحله رسول الله فاطمة» [\(3\)](#).

ثواب پاداش تسبیح حضرت فاطمه معادل با هزار رکعت نماز مستحبی است.

ص: 36

1- . سوره نور آیه 63

2- . نورالثقلین ج 3 ص 629

3- . بحار الانوار ج 43 ص 64

5. مکرر برای ازدواج با فاطمه نزد پیامبر اکرم آمدند، پیامبر فرمود امر ازدواج او با خداوند متعال است، از این رو آن افراد ناامید برگشتند «ما زوّجت فاطمة الاّ لما امر من الله بتزويجها».(1)
6. حضرت فاطمه را آن طوری که شایسته مقام آن حضرت است نمی توان شناخت، از این رو امام صادق فرمود: «من عرف فاطمة حق معرفتها فقد ادرك ليلة القدر».(2)
7. پیامبر اکرم به مدت 6 ماه یا 9 ماه هر روز صبح که به مسجد می رفت، کنار خانه فاطمه می ایستاد و آیه تطهیر را تلاوت می فرمود.(3)
8. امام صادق وقتی از شخصی پرسید نام دخترت چه گذاشتی، گفت: فاطمه. حضرت فرمود بنابراین بر او دشنام مده و او را لعن نکن و او را کتک زن «اذا سمّيتها فاطمة فلا تسبّها و لا تلعنّها و لا تضربها».(4)
9. پیامبر اکرم می فرماید شبی که به معراج رفتم دیدم بر در بهشت نوشته شده است «لا اله الاّ الله محمّد رسول الله علیّ حبّ الله الحسن و الحسين صفوة الله فاطمة خيرة الله علی باغضهم لعنة الله».(5)

ص: 37

-
- 1- . عیون اخبار الرضا ج 2 ص 59
 - 2- . بحار الانوار ج 43 ص 65
 - 3- . كشف الغمّة ج 1 ص 457
 - 4- . کافی ج 6 ص 48
 - 5- . تاریخ بغداد ج 1 ص 259

8. شخصیت ممتاز حضرت فاطمه

در عظمت و شخصیت حضرت فاطمه همین بس که:

1. خداوند متعال به عبادت او مباحات می کند؛ «یا ملائکتی انظروا الی امتی فاطمة». (1)
2. پیامبر اکرم او را نور چشم خود می داند و میوه قلب خویش می شمارد؛ «ان فاطمة بضعة منی و هی نور عینی و ثمرة فؤادی». (2)
3. امیرالمؤمنین به همسری او مباحات می کند؛ «انا زوج البتول سیده نساء العالمین». (3)
4. حضرت فاطمه دختر نبوت، همسر ولایت و مادر امامت است.
5. در حدیث کساء محور حضرت فاطمه است.
6. تشریفاتی درباره ولادت او انجام شد، چهار زن بهشتی برای ولادت او نزد خدیجه آمدند که درباره هیچ فرد دیگری این مراسم نبوده است.
7. انعقاد نطفه فاطمه زهرا از میوه بهشتی به وجود آمد که پیامبر اکرم چهل روز باید از خدیجه مفارقت کند و به عبادت خدا پردازد.

ص: 38

1- . امالی صدوق

2- . امالی صدوق ص 393

3- . معانی الاخبار ص 58

8. اولین زنی است که وارد بهشت می شود؛ «اول شخص یدخل الجنة فاطمة». (1)

حضرت فاطمه در دنیا به نماز که می ایستد هفتاد هزار فرشته بر او سلام می کنند و در قیامت هفتاد هزار فرشته او را به بهشت بدرقه می کنند.

قال رسول الله: «اما ابنتی فاطمه فهی سیدة نساء العالمین من الاولین و الآخیرین و أنّها لتقوم فی محرابها فیسلّم علیها سبعون الف ملک من الملائكة». (2)

9. قال رسول الله: «اذا كان يوم القيامة نادى مناد من بطنان العرش يا اهل الجمع نكسوا رؤوسكم و غصّوا ابصاركم حتى تمر فاطمة بنت محمد علی الصراط». (3)

10. آلوسی نویسنده روح المعانی گوید در سوره دهر همه نعمت های بهشتی بیان شده جز حورالعین و خداوند نامی از حورالعین نبرده است، به احترام و عظمت حضرت فاطمه؛ «و لم یذکرها لحرمة البتول و قرّة عین الرسول».

ص: 39

1- . بحار الانوار ج 43 ص 44

2- . بحار الانوار ج 43 ص 24

3- . الصواعق المحرقة ص 190

11. حضرت فاطمه در قرآن کریم جمعی است منحصر به فرد (نِسَاءُنَا) در آیه مباحله. (1)

12. حضرت زهرا بهترین فرد زنان عالم است؛ «أَنَّ فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ». (2)

13. آن حضرت کوثر قرآن کریم است؛ (إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ).

14. تنها زنی است که محور رضا و غضب خداوند است؛ «أَنَّ اللَّهَ يَغْضِبُ لَغَضَبِ فَاطِمَةَ وَيَرْضَى لِرِضَاهَا». (3)

15. اطاعت از حضرت فاطمه بر انس و جن واجب است؛ قال الباقر: «لَقَدْ كَانَتْ مَفْرُوضَةَ الطَّاعَةِ عَلَى جَمِيعِ مَنْ خَلَقَ اللَّهُ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ». (4)

16. محبوب ترین فرد نزد پیامبر اکرم است؛ «مَا وَلَدَ مَوْلُودَ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْهَا». (5)

پیامبر اکرم: «وَأَشْوَاقَهُ إِلَى عَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ». (6)

ص: 40

1- آل عمران 61

2- بحار الانوار ج 57 ص 302

3- امالی طوسی ص 427 المستدرک علی الصحیحین ج 3 ص 154

4- دلائل الامامه ص 28

5- مقتل الحسين (ع) ص 35

6- بحار الانوار ج 37 ص 38

17. قلب فاطمه مملو از ایمان و یقین بود؛ «انَّ ابنتی فاطمة ملاء الله قلبها و جوارحها ایماناً و یقیناً» (1).

9. شناخت حضرت فاطمه

یکی از راه های شناخت حضرت فاطمه، شناخت پیامبر اکرم است. اگر عظمت پیامبر اکرم برای ما روشن شود، در آن صورت عظمت حضرت فاطمه برای ما بهتر مشخص می شود.

بهترین معرف برای پیامبر اکرم، قرآن کریم است. این کتاب آسمانی درباره پیامبر اکرم می فرماید:

1. معلم او خداوند است؛ (عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَى) (2).

2. خود پیامبر نیز معلم جامعه بشریت است؛ (يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ) (3).

3. پیامبر مظهر رحمت پروردگار است؛ (وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ) (4).

4. پیامبر اکرم شهید شهدا است؛ (وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هُوْلَاءِ شَهِيداً) (5).

5. پیامبر اکرم علم و اخلاقش به عظمت توصیف شده است؛

ص: 41

1- . بحار الانوار ج 43 ص 29

2- . نجم 5

3- . آل عمران 164

4- . انبیاء 107

5- . نساء 41

الف. (وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُنْ تَعْلَمُ وَكَانَ فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ عَظِيمًا). (1)

ب. (وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ). (2)

6. پیامبر عبد خالص خداوند است؛ (تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَىٰ عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا). (3)

7. عزت پیامبر اکرم و اطاعتش در ردیف اطاعت خداوند است؛ (أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ). (4) (وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ). (5)

8. پیامبر اکرم اسوه و الگوی بشریت است؛ (لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ). (6)

9. پیامبر اکرم در تمام کارها خالص بود؛ (قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ). (7)

10. پیامبر اکرم دارای مقام شفاعت است؛ (وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَىٰ). (8)

ص: 42

1- . نساء 113

2- . قلم 4

3- . فرقان 1

4- . نساء 59

5- . منافقون 8

6- . احزاب 21

7- . انعام 162

8- . ضحی 5

پیامبر به این عظمت و جلالت درباره فرزندش فاطمه تعبیراتی دارد که درباره کمتر کسی این تعبیرات ارزشمند را بکار برده است:

1. «من زار فاطمة فكأنما زارني». (1)
2. فاطمه عزیزترین فرد نزد من است؛ «هی اعزّ النَّاس الیّ». (2)
3. او بهترین دختران من است زیرا در راه من مصیبت می بیند «هی خیر بناتی». (3)
4. هرکس بر فاطمه درود بفرستد خداوند او را می آمرزد «من صلّی علیک غفر الله له و الحقّه بی حیث کنت فی الجنة».
5. پیامبر هرگاه از مسافرت می آمد بر فاطمه وارد می شد و با او معانقه می کرد و میان او چشم او را می بوسید «اذا قدم من سفره یدخل علی فاطمة فدخل علیها فقامت الیه و اعتنقته و قبلت بین عینیّه». (4)
6. گاهی سر فاطمه را می بوسید و می فرمود: «فداک ابوک». (5)
7. «فاطمة بضعة منّی و هی روحی الّتی بین جنّیّ». (6)

ص: 43

-
- 1- . بحار الانوار ج 43 ص 56
 - 2- . بحار الانوار ج 43 ص 23
 - 3- . احقاق الحق ج 10 ص 183
 - 4- . بحار الانوار ج 43 ص 40
 - 5- . احقاق الحق ج 10 ص 185
 - 6- . بحار الانوار ج 43 ص 54

8. «كانت اذا دخلت عليه اخذ بيدها فقبّلها و اجلسها في مجلسه».(1)

9. «كانت اذا دخلت عليه رحّب بها وقبّل يديها».

نکته

از آنجا که پیامبر اکرم معصوم است و سخن او حساب شده است، تعریف و تمجید از دخترش به جهت علاقه پدر و فرزندى نبوده، بلکه به علت کمالات نفسانى حضرت فاطمه بوده است.

به عنوان نمونه وقتى امیرالمؤمنین از او مى پرسد چه چیزى برای زن از هر چیزى بهتر است؟ «ای شیء خیر للمرأة؟» فاطمه فرمود: آنکه مردان نامحرم آن را نبینند و آنها نیز نامحرم آن را نبینند؛ «خیر للنساء أن لا یرین الرجال ولا یراهن الرجال». وقتى این سخن فاطمه به عرض پیامبر رسید، حضرت فرمود: «انّ فاطمة بضعة منی».(2)

نمونه دیگر وقتى فاطمه زهرا در شب عروسی پیراهن خود را به مستمند تقدیم کرد، حضرت از دخترش پرسید چرا پیراهن نورا انفاق

ص: 44

1- . كشف الغمه ج 1 ص 453

2- . بحار الانوار ج 43 ص 54

کردی؟ عرض کرد از شما شنیدم که خداوند می فرماید: (لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ) (1) آنگاه پیامبر فرمود پدرت به فدایت باد (فداها ابوها).

10. سیره علمی و عملی حضرت فاطمه

1. رضایت همسر

امیرالمؤمنین در سخنی در شأن حضرت زهرا فرمودند: «فوالله ما اغضبتها ولا اكرهتها على امر حتى قبضها الله عز وجل اليه ولا اغضبتي ولا عصت لي امراً»: سوگند به خدا من زهرا را تا هنگامی که خداوند او را به سمت خود برد خشمگین نکردم در هیچ کاری موجب ناخشنودی او نشدم، او نیز مرا خشمگین نکرد و هیچ گاه مرا نافرمانی نکرد. (2)

2. مایه آرامش همسر

پیوند مقدس حضرت زهرا و حضرت علی به قدری با صفا و پر مهر بود و وجود حضرت زهرا به قدری برای حضرت علی مایه آرامش و خشنودی بود که علی در سخنی می فرماید: «ولقد كنت انظر اليها

ص: 45

1- . آل عمران 92

2- . كشف الغمه ج 1 ص 491

فتكشفت عتی الهموم و الاحزان»: من به چهره زهرا نگاه می کردم، همین نگاه هرگونه غم و اندوه را از من برطرف می نمود.

3. تواضع در برابر همسر

تواضع حضرت زهرا در خانه حضرت علی و احترام به آن حضرت به حدی بود که وقتی ماجرای فشار بین در و دیوار و بستری شدن آن حضرت در رابطه با مخالفت با خلفا رخ داد. عمر و ابوبکر چندین بار از حضرت علی تقاضا کردند تا واسطه شوند و آنها به حضور حضرت زهرا بیایند و احوالپرسی کنند.

حضرت علی نزد فاطمه آمد و تقاضای آنان را مطرح کرد، ولی فاطمه به شدت آن را رد کرد. حضرت علی فرمودند من از طرف آنها ضامن شده ام که از تو اجازه بگیرم.

در این هنگام حضرت زهرا در برابر علی با شرایطی تواضع کرده و فرمودند: «ان كنت قد ضمننت لهما شيئاً فإلبيت بيتك... لا أخالف عليك بشيء»: اگر از طرف آنها چیزی را ضامن شده ای خانه خانه دوست و من در هیچ چیزی با رأی تو مخالفت نمی کنم.

و در روایت دیگر آمده است: عمر و ابوبکر در کنار حضرت زهرا آمدند و نشستند تا علی از حضرت اجازه بگیرد، حضرت علی به فاطمه گفت: ای بانوی آزاد! آنها برای عذرخواهی آمده اند و اجازه ورود

می طلبند، چه می فرمایی؟ حضرت زهرا در پاسخ گفت: «البيت بيتك و الحرة زوجتك افعل ما تشاء»: خانه خانه تو است و بانوی آزاد همسر تو است، اختیار با تو است هر چه می خواهی انجام بده. (1)

4. عدم تقاضا از همسر

معمولاً زن ها از شوهران خود توقع دارند وسایل زندگی را از خانه وسیع و مرکب راهوار و امکانات رفاهی دیگر را برایشان فراهم کنند و لباس و زیورآلات گرانبهای دیگر را برای آنها تهیه نمایند و...

ولی حضرت زهرا هرگز چنین توقعاتی را نداشت و در حدود 9 سالی که با همسر خود حضرت علی بود حتی برای يك بار هم تقاضایی که مربوط به امور مادی باشد مطرح نکرد.

5. به زحمت نینداختن همسر

چند روزی گذشت که به خانه حضرت زهرا غذایی نرسید با اینکه بچه های حضرت زهرا سخت در فشار گرسنگی بودند و حضرت زهرا اندوخته غذایی خویش را به آنها داده بود و خود گرسنه تر از آنها به سر می برد ولی ماجرا را به شوهرش نگفت.

ص: 47

حضرت علی نیز با کمبود شدید مواجه شد، صبح يك روز که از فاطمه تقاضای غذا کرد، فاطمه ماجرا را گفت. حضرت علی فرمود پس چرا به من نگفتی تا به جستجوی غذا پردازم؟ فاطمه در پاسخ علی چنین گفت: من از خدایم شرم کردم که شما خود را بر چیزی که مقدورت نیست به زحمت نیندازی.

عجب اینکه حضرت علی از خانه بیرون آمد و يك دینار از کسی قرض گرفت و سپس برای تهیه غذا حرکت کرد. در راه مقدار را دید که او نیز بر اثر تهی دستی از خانه بیرون آمده بود. علی همان يك دینار را به مقدار داد و خود با دست خالی به خانه بازگشت. (1)

«ما كان شیء أطعمناه مذیومین الا شیء كنت اؤثرک به علی نفسی و علی ابنتی هذین الحسن و الحسین. فقال یا علی یا فاطمة الا کنت اعلمتینی فابغیکم شیئاً فقالت یا اباالحسن اتی لاستحیی من الهی ان تکلف نفسك ما لا تقدر علیه». (2)

6. حجاب

حضرت زهرا به مسئله حجاب بسیار اهمیت می داد. هرگز مو و بدن او را مرد نامحرم ندید و با اینکه در صحنه ها حضور داشت، هرگز از مرز حریم مقدس حجاب و پوشش اسلامی خارج نشد.

ص: 48

1- . اقتباس از کشف الغمه ج 2 ص 27

2- . تفسیر فرات کوفی ص 83 کشف الغمه ج 2 ص 26

روزی پیامبر اکرم از او پرسید برای زن چه کاری برترین کار است؟ در پاسخ فرمود: «ان لا تری رجلاً و لا یراها رجل» : نه او مرد بیگانه را ببیند و نه مرد بیگانه او را بنگرد.

پیامبر به نشانه تصدیق او را به سینه چسباند و فرمود: «ذُرِّيَّةٌ بَعْضُهُمْ لَهَا مِنْ بَعْضٍ» : اینها فرزندان هستند که از نظر پاکی و کمال بعضی از بعضی دیگر هستند.

امیرالمؤمنین می فرماید روزی مرد نابینایی اجازه ورود به خانه فاطمه را گرفت. فاطمه خود را از او پوشاند. پیامبر به او فرمود: با اینکه این مرد نابیناست چرا خود را از او پوشاندی؟ حضرت زهرا در پاسخ عرض کرد اگر او مرا نمی بیند، من او را می بینم، وانگهی او بورا استشمام می کند.

حضرت محمد پاسخ حضرت زهرا را پسندید و به نشانه تصدیق او فرمود: «اشهد انک بضعة منی»: گواهی می دهم که تو پاره وجود من هستی. (1)

روزی پیامبر برای خانه فاطمه اجازه ورود گرفت و فرمود: «ءأدخل؟» قالت: عليك السلام یا رسول الله ادخل یا رسول الله. پیامبر فرمود: «ادخل و من

ص: 49

معى». عرضه داشت: بر من حجابى نيست (يعنى همراه شما وارد منزل نشود) «يا رسول الله ليس علىّ قناع».(1)

7. عبادت

الف - پيامبر مى گويد: «متى قامت فى محرابها بين يدي ربّها جل جلاله زهر نورها لملائكة السماء كما يزهر نور الكوكب لأهل الأرض يقول الله عزوجل لملائكة يا ملائكتى انظروا الى امى فاطمة سيدة امانى قائمه بين يديّ ترتعد فرائضها من خيفتى وقد اقبلت بقلبها على عبادتى اشهدكم أنّى قد آمنت شيعتها من النار».(2)

ب - امام مجتبى: «ما كان فى الناس اعبد من فاطمة تقوم حتى تتورّم قدماها».

ج - امام مجتبى مى فرمايد از سر شب تا به صبح حضرت فاطمه براى مردم دعا مى کرد، گفتم چرا براى خودمان دعا نمى کنى؟ فرمود اول همسايه بعد اهل منزل؛ «الجار ثم الدار».

8. اخلاق و رفتار فاطمه

عايشه گويد: «ما رأيت احداً اصدق من فاطمة غير ابيها».(3)

ص: 50

1- . مستدرک ج 14 ص 282 بحار الانوار ج 43 ص 62

2- . امالى صدوق

3- . مناقب ج 3 ص 341

«ما رأيت احداً اشبه سمياً و دلاً و هدياً برسول الله في قيامها و قعودها من فاطمة بنت رسول الله».(1) کنایه از خوش اخلاقی است.

زنی 10 سؤال کرد و فاطمه با روی باز جواب داد و فرمود هر سؤالی که بکنی برای من نزد خداوند مزدی هست.

9. علاقه به زیارت قبور شهدا

«عن ابی عبدالله: «انّ فاطمة كانت تأتي قبور الشهداء في كلّ غداة سبت فتأتي قبر حمزة و تترحم عليه و تستغفر له».(2)

10. تدارکات جبهه رزمندگان

واقدی می گوید محمدبن مسلمه با 14 زن به طرف جنگ احد آمد برای تأمین تدارکات «منهنّ فاطمة یحملنّ الطعام و الشراب علی ظهورهنّ و یسقین الجرحی و یداوینهم».

11. کار در منزل

الف. امام صادق: «کان علی یستسقی و یحتطب و کانت فاطمة تطحن و تعجن و تخبز و ترفع»: حضرت علی برای منزل آب فراهم می کرد (آب از چاه می کشید)

ص: 51

1- . صحیح ترمذی ج 5 ص 700

2- . تهذیب ج 1 ص 465

و هیزم جمع می کرد و فاطمه آرد درست می کرد و بعد از آن خمیر می کرد و سپس نان می پخت و لباس را وصله می زد.

ب. روزی پیامبر اکرم مشاهده کرد که فاطمه هم آرد درست می کند و هم فرزندش را شیر می دهد، فرمود دخترم تلخی زندگی دنیا را بچش در برابر شیرینی آخرت «یا بنتاه تعجلی مرارة الدنیا بحلاوة الآخرة» فقالت: «یا رسول الله الحمد لله علی نعمائه و الشکر علی آلائه».(1)

12. دفاع از امام زمان خویش

«و الله لا ادعکم تجزون ابن عمی ظلماً خلّوا ابن عمی فوالآذی بنت محمداً بالحق لئن لم تخلّوا عنه لأنشرونّ شعری ولأضعنّ قمیص رسول الله علی رأسی ولأصرفنّ الی الله تبارک و تعالی...».

ص: 52

(لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ فَضْلاً مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَاناً وَيَنْصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ * وَالَّذِينَ تَبَوَّأُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شَحْنَهُ فَوَلِيُّكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ * وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ). (1)

الف. قرآن کریم در آیات 8 و 9 و 10 سوره حشر برای هر یک از مهاجران و انصار و تابعان سه ویژگی بیان می کند؛

مهاجران دارای سه ویژگی هستند: اخلاص (يَبْتَغُونَ فَضْلاً مِنَ اللَّهِ). جهاد (يَنْصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ). صداقت (أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ).

انصار دارای سه ویژگی هستند: علاقه قلبی به مهاجران (يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ). عدم احساس نیاز به آنچه به مهاجران داده شده است (وَلَا يَجِدُونَ). مقدم داشتن مهاجران بر خویشان (وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ). تابعین نیز دارای سه ویژگی هستند: اصلاح باطن و طلب آموزش از خداوند (رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا). احترام به پیشگامان در ایمان و طلب آموزش برای

ص: 53

آنان (وَلَاخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَّوْنَا بِالْإِيمَانِ) . پرهیز از هرگونه کینه و حسد و دشمنی (وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا).

ب. جمله (وَالَّذِينَ تَبَوَّأُوا الدَّارَ) دوگونه تفسیر شده است:

ص عطف است بر جمله (لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ) که پیامبر از اموال بنی نضیر مقداری به انصار داده در برابر اینکه به مهاجران منزل دادند.

ص جمله مستقل و مبتدأست و خبرش جمله (فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ) است.

عده ای از مفسران اهل سنت به آیه 9 استدلال کرده اند که این آیه سه گروه را بیان می کند: 1. مهاجران 2. انصار 3. کسانی که بعد از اینها آمدند و شامل ما نیز می شود که نه جزو انصار هستیم و نه مهاجرین؛ (الَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ) تکلیف ما را هم این آیه مشخص کرد. یکی از تکالیف ما این است که برای خود و برای برادران خود که در ایمان و عمل سبقت گرفته اند، طلب مغفرت کنیم؛ یعنی لازم است برای مهاجر و انصار تنها طلب رحمت کنیم؛ (1) پاسخ این است که آیات سوره مبارکه توبه مردم را به پنج گروه تقسیم می کند:

1. (السَّابِقُونَ الْأُولُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ) . 2. (وَالْأَنْصَارِ) . 3. (الَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ) . 4. منافقین (وَمِمَّنْ حَوْلَكُمْ مِنَ الْأَعْرَابِ مُنَافِقُونَ وَ مِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ مَرَدُوا

ص: 54

عَلَى النَّفَاقِ لَا تَعْلَمُهُمْ نَحْنُ نَعْلَمُهُمْ سَبْعَ مَرَّاتٍ. 5. (وَ آخَرُونَ اعْتَرَفُوا بِذُنُوبِهِمْ خَلَطُوا عَمَلًا صَالِحًا وَ آخَرَ سَيِّئًا عَسَى اللَّهُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ) (1)

به تعبیر دیگر اگر در قرآن فقط آیات سوره حشر بود مردم سه گروه بودند، ولی از آیات سوره توبه استفاده می شود که کسانی که در صدر اسلام بودند و هم چنین کسانی که بعدها به آنان ملحق شدند پنج گروه هستند. این چنین نیست که همه کسانی که جزو مهاجران یا انصار بودند خوب بودند، اگر عده ای منافق در میان مهاجر و انصار بودند ما باید از آنها تبری بجوییم، بنابراین آیه (مَرُدُّوا عَلَيَّ النَّفَاقِ) مخصّص آیه (يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ) می شود و نمی توان گفت هرکسی پیامبر را زیارت کرده و جزو اصحاب بوده انسان وارسته ای است، بلکه عده ای به نفاق گرایش پیدا کردند. افزون بر این در روایات آمده است «ارتدّ الناس بعد النبی الا ثلاث» که منظور، ارتداد از ولایت است.

آیه 9 سوره حشر گرچه درباره ایشارگری انصار نازل شده، لکن منحصر به آنان نیست و شامل ایشارگری اهل بیت پیامبر اکرم از جمله حضرت فاطمه نیز می شود.

ص: 55

نمونه ای از اینارگری حضرت فاطمه

1. اسماء بنت عمیس می گوید در محضر حضرت زهرا بودم، رسول خدا وارد شد، گردن بندی از طلا بر گردن حضرت زهرا دید که علی آن را از سهمیه خود از بیت المال خریده بود، فرمود: ای فاطمه مراقب باش مردم نگویند که دختر محمد زیور طاغوتیان را در گردن نموده است.

فاطمه همان دم آن گردن بند را از گردن بیرون آورد و فروخت و با پول آن برده ای را آزاد کرد. پیامبر از این کار حضرت زهرا شاد گردید.

2. پیامبر هرگاه به سفر می رفت، آخرین فردی که با او خداحافظی می کرد، فاطمه بود و هنگامی که از سفر باز می گشت، نخستین کسی که با او دیدار می کرد فاطمه بود.

در یکی از سفرها هنگامی که از سفر بازگشت طبق معمول به خانه فاطمه آمد، دید فاطمه دو عدد دستبند نقره در دست نموده و پرده ای را در در خانه اش آویزان نموده است (با توجه به اینکه وضع اقتصادی مردم در سطح بسیار پایین بود) پیامبر در خانه فاطمه اندکی نشست ولی مانند سابق به فاطمه توجه ننمود. سپس پیامبر رفت و فاطمه با هوشیاری مخصوصی که داشت مطلب را دریافت و سخت نگران شد و گریه کرد و همان دم دستبند را بیرون آورد و پرده را از در

خانه باز نمود و حسن و حسین را طلید و دستبندها را به یکی از آنها و پرده را به دیگری داد و به آنان فرمود: نزد پدرم بروید و سلام مرا به او برسانید و به آن حضرت عرض کنید که ما در غیاب تو غیر از اینها به زندگی خود نيفزودیم، اینك اینها را آورده این اختیار در دست شماست.

حسن و حسین به محضر پیامبر رسیدند و پیام مادر را به آن حضرت ابلاغ کردند. پیامبر آنها را نوازش کردند سپس دستور داد آن دو دستبند را به چند قطعه شکستند. آن قطعه ها را بین مهاجران تهی دست تقسیم نمودند و بعد دستور داد از آن پرده چند پیراهن تهیه کنند و به برهنگان دادند، آنگاه فرمودند خداوند فاطمه را رحمت کند، خداوند به جای آن پرده (که از آن چند نفر برهنه را بیوشانند) لباس بهشتی به فاطمه بیوشاند و به جای این دو دستبند او را با زیورهای بهشتی بیاراید.

3. پیامبر در عروسی حضرت زهرا يك دست پیراهن نو به حضرت زهرا داده بود تادر شب عروسی بیوشد. هنگامی که فاطمه به خانه زفاف رفت، بر سجاده عبادت خود نشسته بود و با خدا مناجات می کرد. ناگاه مستمندی به خانه فاطمه زهرا آمد و با صدای بلند گفت از در خانه نبوت يك پیراهن کهنه می خواهم.

فاطمه در آن موقع دو پیراهن داشت، یکی کهنه و دیگری نو. خواست پیراهن کهنه را را طبق تقاضای فقیر به او بدهد، ناگاه به یاد آیه (لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ) (1) افتاد.

حضرت زهرا که می دانست پیراهن نورا بیشتر دوست دارد، به این آیه عمل کرد و پیراهن نورا به فقیر داد.

فردای آن روز هنگامی که پیامبر پیراهن کهنه را در تن حضرت زهرا دید، فرمود چرا پیراهن نورا نپوشیده ای؟ حضرت زهرا عرض کرد آن را به فقیر دادم. پیامبر به او فرمود اگر آن را برای شوهرت می پوشیدی بهتر و مناسب تر بود.

فاطمه عرض کرد این روش را از شما آموختم در آن هنگام که حضرت خدیجه همسر شما گردید همه اموال خود را در راه شما به تهی دستان بخشید. کار به جایی رسید که فقیری به در خانه آمد و تقاضای لباس کرد و در خانه لباس وجود نداشت، شما پیراهن خود را از تن بیرون آورده و به او دادید، از این رو آیه (وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسِطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا) (2): و بیش از حد دستت را مگشا تا مورد سرزنش قرار گیری و از کار فرومانی، نازل شد.

ص: 58

1- . آل عمران 92

2- . اسراء 29

پیامبر تحت تأثیر محبت ها و خلوص دخترش زهرا قرار گرفت، قطره های اشک از چشمانش سرازیر شد و فاطمه را به نشانه محبت به سینه اش چسبانده. (1)

12. نگاهی به خطبه حضرت فاطمه

حمد در برابر نعمت ها؛

«الحمد لله على ما انعم و له الشكر على ما الهم و الثناء بما قدّم من عموم نعم ابتدأها و سبوغ آلاء اسداها و تمام منن اولها جّم عن الاحصاء عددها و تفاوت عن الادراك ابدها»:

سپاس خداوند را در برابر نعمت هایش که لطف کرد و شکر او را بر آنچه الهام کرد. سپاس بر آنچه از پیش عطا فرموده از عموم نعمت هایی که آغاز کرد و عطاهای فراوانی که بخشید و موهبت های کاملی که پیوسته عنایت کرد. نعمت هایی که از شمارش بیرون و جبراننش از توان بشر خارج و دور است و درك نهایت آن غیرمقدور است.

ص: 59

شهادت به وحدانیت خداوند؛

«و اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له... الممتع عن الابصار رؤيته و من الالسن صفته و من الاوهام كيفيته»:

گواهی می‌دهم به خدایی که جز او معبودی نیست و همتایی ندارد دیدن ظاهری محال است و زبان‌ها نمی‌توانند او را توصیف کنند و گمان‌ها او را توصیف کنند و گمان‌ها را شایستگی پندار ذات او نیست.

شهادت به رسالت پیامبر اکرم؛

«و اشهد انّ ابی محمداً عبده و رسوله فرأى الامم فرقا فى ادیانها عكفاً على نیرانها عابدة لأوثانها منكرة لله مع عرفانها فانار الله بأبى محمداً ظلمها و كشف عن القلوب بهمها و جلا عن الابصار عمها فأنقذهم من الغواية و بصّرهم من العمایة و دعاهم الى الدين القويم و دعاهم الى الطريق المستقیم»:

گواهی می‌دهم به رسالت پدرم که او بنده خدا و پیامبر الهی بود. پس از بعثت دید امت‌ها در دین پراکنده‌اند. برخی در آتش پرستی اعتکاف دارند و برخی بت می‌پرستند با اینکه خدا را می‌شناسند، منکر شده‌اند. به برکت وجود پیامبر خداوند تاریکی‌ها را روشن کرد و از قلب‌ها ابهام و از دیده‌ها تحیر و سرگردانی را از بین برد. آنان را از گمراهی و کوری‌رهای بی‌بخشید و به دین استوار و صراط مستقیم دعوت کرد.

فضایل قرآن؛

کتاب الهی گویای حق و دارای صداقت و نور فروزان و روشنی درخشان همان کتابی که بینش‌هایش روشن، نهفته‌هایش آشکار و ظواهر

آن روشن، پیروانش مورد رشك دیگران، پیروی اش راهنمایی به بهشت رضوان و استماع آن سبب نجات بشر است؛ «کتاب الله الناطق و القرآن الصادق و التور الساطع و الصّیاء اللّامع بینة بصائرہ منکشفة سرائره متجلّیة ظواهره مغتبط به اشیاعه قائد الی الرّضوان اتباعه مؤدّ الی النّجاة استماعه».

فلسفه احکام؛

پس خداوند ایمان را برای پاک ساختن شما از شرك قرار داد و نماز را عامل دوری از کبر و غرور و زکات را مایه تطهیر جان و زیادی رزق و روزه را عامل تحکیم اخلاص و حج را برای ترفیع و عدالت را برای پیوند قلب ها و پیروی از ما را عامل انسجام مردم و امامت ما را عامل امنیت از اختلاف و جهاد را عامل عزت اسلام و صبر را سبب جلب پاداش و امر به معروف را برای مصلحت همگان و نیکی به والدین را مانع غضب خدا و صله رحم را عامل زیادی عمر و گسترش جمعیت قرار داد.

«فجعل الله الايمان تطهيراً لكم من الشرك و الصّلاة تنزيهاً لكم من الكبر و الزّكاة تزكية للنّفس و سخاء فی الرّزق و الصّيام تثبيتاً للإخلاص و الحجّ تشييداً للدين و العدل تنسيقاً للقلوب و اطاعتنا نظاماً للملّة و امامتنا اماناً من الفرقة و الجهاد

عزّاً للإسلام و الصّبر معونة على استیجاب الأجر و الأمر بالمعروف مصلحة للعامة و برّ الوالدين وقاية من السّخط و صلة الارحام منماة للعدد».

معرفی خویشتن؛

سپس چنین فرمود: ای مردم بدانید من فاطمه ام و پدرم محمد است. نه يك بار كه مستمراً می گویم نه اشتباه در سخنم جا دارد و نه انحراف در رفتار و كردارم هست؛ «اَيُّهَا النَّاسُ اعْلَمُوا اَنِّي فَاطِمَةُ وَ اَبِي مُحَمَّدٌ اَقُولُ عَوْدًا وَ بَدَأًا وَ لَا اَقُولُ مَا اَقُولُ غَلَطًا وَ لَا اَفْعَلُ مَا اَفْعَلُ شَطَطًا».

یادی از جاهلیت؛

شما مردم در آن هنگام بر لبه پرتگاهی از آتش و در آستانه سقوط بودید آب های گندیده می نوشیدید و غذای شما پوست جانور و مردار بود، پیوسته ذلیل و خوار بودید؛ «وَ كُنْتُمْ عَلَيَّ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ تَشْرَبُونَ الطَّرْقَ وَ تَقْتَاتُونَ الْقَدَّ وَ الْوَرَقَ اَذَلَّةَ خَاسِئِينَ»

فضایل حضرت علی؛

هرگاه آتش جنگی افروخته می شد، خداوند خاموشش ساخت یا هر زمان شاخ شیطان سر بر آورد یا ازدهایی دهان باز کرد (کنایه از اینکه مشرکی می خواست شما را از بین ببرد) پدرم علی را در کام آنان می انداخت و برای مبارزه با آنها می فرستاد. او هم بر نمی گشت جز اینکه آتش فتنه را خاموش می ساخت و آنها را نابود می کرد؛ «كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا

لِلْحَرْبِ أَطْفَالَهَا اللَّهُ أَوْ نَجْمِ قَرْنِ الشَّيْطَانِ أَوْ فَعْرَتِ فَاغْرَةٍ مِنَ الْمُشْرِكِينَ قَذْفِ أَخَاهِ فِي لَهْوَاتِهَا فَلَا يَنْكُفِيءُ حَتَّى يَطَأَ جَنَاحَهَا».

علی همواره به سختی ها تن داده بود و در راه خدا پرتلاش بود. نزدیک به پیامبر سرور اولیای خدا دامن به کمر بسته ای خیرخواه و تلاش گری زحمت کش و در رنج بود؛ «مکدوداً فی ذات الله مجتهداً فی امر الله قریباً من رسول الله سیداً فی اولیاء الله مشمراً ناصحاً مجتهداً کادحاً لا تأخذه فی الله لومة لائم».

رفاه طلبی مردم؛

بعد از آنکه اوصاف پسندیده همسرش را بیان می کند اوصاف ناپسند مردم زمان را شرح می دهد؛

در آن روزها شما در زندگی راحت آسوده و در بستر آسایش و شادمانی و امنیت به سر می بردید و همواره بر ما مترصد حوادث ناگوار و گوش به زنگ اخبار بودید و همیشه از جنگ عقب نشینی می کردید و از پیکار فرار می کردید؛ «و انتم فی رفاهیه من العیش و ادعون فاکهون آمنون تتریبون بنا الدوائر و تتوکفون الاخ بار و تنکصون عند النزال و تقرون من القتال».

بعد از آن پنج آیه ارث را تلاوت می کند و می فرماید چرا از حق مسلم ارث ممنوع ساختید.

1. مرحوم علامه مجلسی اسناد این خطبه را در جلد 29 بحار الانوار صفحه 215 تا 220 بیان کرده است.
2. امامان معصوم به فرزندان خود سفارش می کردند که خطبه فاطمه را حفظ کنند.
3. خطبه حضرت در بیان معارف اسلام، جامع و کامل است که می توان نظیر این مطالب را در نهج البلاغه مطالعه کرد.
4. عظمت روحی دختر پیامبر؛ این خطبه بدون مطالعه و تمرین بیان شده است، زیرا حضرت زهرا سخنان رسمی نبوده یعنی پیش از این نظیر این سخنان را به این مبسوطی بیان نکرده است و جالب آن که دختری که داغ پدر دیده، پهلوی او شکسته و به شوهرش ظلم و ستم شده ایراد این چنین خطبه در حد اعجاز و کرامت است.
5. معرفی چهره زشت منافقان؛ در زمانی که خفقان همه جا را گرفته و مردم تن پرور و راحت طلبان روزگار سکوت مرگ بار کردند، آن حضرت منافقان زمان خود را مفتضح و رسوا می سازد و از هیچ کس نمی ترسد؛ «ظهر فیکم حسیکه النفاق».
6. محکومیت دشمن به وسیله قرآن؛ آن حضرت به وسیله تلاوت آیات ارث دشمنان را محکوم ساخت که چرا او را از میراث پیامبر ممنوع ساختند.

وقتی فاطمه آیات را خواند، خلیفه گفت از پیامبر شنیدم «نحن معاشر الانبياء لا نورث ما تركناه صدقة».(1)

جای این سؤال هست که اینها می گویند «حسبنا كتاب الله»: كتاب خدا ما را كافی است. پس چرا به حدیث پیامبر تمسك می کنند؟ اگر به حدیث تمسك می کنند پس «حسبنا كتاب الله» درست نیست. اینجا از جمله مواردی است که يك بام و دو هوا شده است.

ص: 65

وقتی آیه مودّت بر پیامبر اکرم نازل شد، آن حضرت فرمود: ای مردم به درستی که خداوند برای من بر شما امری را واجب کرده، آیا ملتزم می شوید آن را ادا کنید؟ هیچ کس پاسخ نگفت تا سه روز پیامبر این جمله را بیان کرد. همه سکوت کردند و پاسخ ندادند. بالاخره پیامبر فرمود من از شما انتظار طلا و نقره و غذا و نوشیدنی ندارم. آنگاه که متوجه شدند مسائل مادی را درخواست نمی کند گفتند بیان کن که از ما چه انتظار داری. فرمود محبت اهل بیت را از شما می خواهم. در اینجا گفتند آری.

وفی قرب الاسناد عنه عن آبائه علیهم السلام: «لما نزلت هذه الآية على رسول الله قام رسول الله فقال ايها الناس ان الله تبارك و تعالی قد فرض لی علیکم فرضاً فهل انتم مودّوه قال فلم يجبه احد منهم فانصرف فلما كان من الغد قام فقال مثل ذلك ثم قام فيهم فقال مثل ذلك في اليوم الثالث فلم يتكلم احد فقال ايها الناس انه ليس من ذهب و لا فضة و لا مطعم و لا مشرب قالوا فالفقه اذن قال ان الله تبارك و تعالی انزل علیّ (قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى) فقالوا اما هذه فنعم» (1).

پیامبر اکرم با بیانات مختلفی اهل بیت خود را معرفی کرد تا برای هیچ انسانی عذری باقی نماند و اتمام حجت شود.

گاهی به طور کلی و مطلق درباره عظمت و منزلت اهل بیت خود سخن می گفت مانند اینکه آنها را «تحت الکساء» قرار می داد و آنها را معرفی می کرد «اللّٰهُمَّ اِنَّ هٰؤُلَاءِ اهل بیتی» و حتی ام سلمه را راه نداد و به او فرمود: «اِنَّكَ على مکانک».

چنانکه می فرمود: «من رزقه الله حب الائمة من اهل بیتی فقد اصاب خیر الدنيا و الآخرة فلا یشکنّ احد انه فی الجنة». (1)

گاهی بطور ویژه شخصیت امیرالمؤمنین را معرفی می کرد: «علی سید المؤمنین»، «علی عمود الدین»، «أعلم امتی من بعدی علی»، «أفضاکم علی»، «النظر الی وجه علی عبادة»، «یا علی حبک تقوی و ایمان و بغضک کفر و نفاق».

گاهی بطور ویژه از شخصیت فاطمه یاد می کرد: «فاطمة بضعة منی» «فاطمة شعبة منی»: یعنی فاطمه شعبه ای از من است، «هی ثمرة فؤادی».

در روایت است پیامبر مدت زیادی به هنگام نماز می آمد نزد خانه فاطمه و می فرمود: «السلام علیک و رحمة الله و بركاته» و آیه تطهیر (إِنَّمَا یُرِیدُ اللهُ لِیُذْهِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَیْتِ وَ یُطَهِّرَکُمْ تَطْهِیراً) (2) را تلاوت می کرد. از 6 ماه نوشتند 7 ماه 8 ماه تا 9 ماه که پیامبر این عمل را انجام می داد. در هر شبانه روز پنج مرتبه که در مجموع پیامبر اکرم بر طبق روایت 9 ماه

ص: 67

1- . خصال 515

2- . احزاب 33

حدود 1350 مرتبه از اهل بیت خود به عظمت یاد کرده است. (30 * 150\5 * 1350\9)

چند نکته پیرامون آیه (مودة ذی القربی)

1. آیا مزد رسالت واجب است پرداخت شود؟ آری، زیرا به وسیله محبت آنان اعمال پذیرفته می شود. در زیارت جامعه می خوانیم: «بمواالاتکم تقبل الطاعة المفترضة و لكم المودة الواجبة».

2. مودة ذی القربی از نظر قرآن کریم حسنه است و اگر انسان با این حسنه به قیامت وارد شود، ده برابر پاداش دارد. به این دو آیه توجه کنید:

الف. (قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا). (1)

ب. (مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا). (2)

3. آیات شریفه مربوط به مزد رسالت با چند تعبیر آمده:

الف. (لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى). (3)

ب. (قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا). (4)

ص: 68

1- . شوری 23

2- . انعام 160

3- . شوری 23

4- . فرقان 57

ج. (قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرِ فَهَوْ لَكُمْ). (1)

از مجموع این آیات استفاده می شود مودّه ذی القربی همان راه خدا است، راه جداگانه ای نیست. علاوه سود آن برای خود مردم است نه خداوند و اهل بیت (فَهَوْ لَكُمْ).

4. تعبیر اجر و مزد رسالت از قول پیامبران دیگری مانند نوح و هود و صالح و لوط و شعیب از آیه 106 تا 181 شعرا بیان شده است که هیچ يك مودّه ذی القربی را درخواست نکردند، جز پیامبر اکرم.

5. گاهی پیامبر اکرم آثار محبت به اهل بیت را بیان می کرد، چنانکه فرمود: ای سلمان! محبت فاطمه در 100 جا سودمند است که آسان ترین آنها هنگام مرگ و ورود به قبر است. هنگام سنجش اعمال و مبعوث شدن و گذر از پل صراط و محاسبه اعمال است.

«حَبّ ابنتی فاطمة ینفع فی مائة موطن ایسر تلك المواطن القبر و المیزان و...». (2)

بهرتر از هر عبادت، عبادتی است و حب ما اهل بیت بهترین عبادت.

قال الصادق: «انّ فوق کلّ عبادّة عبادّة و حبنا اهل البيت افضل عبادّة».

ص: 69

1- . سبأ 47

2- . بحار الانوار ج 27 ص 16

برای هر چیزی جواز عبور لازم است و جواز صراط، محبت علی.

قال رسول الله: «لكلّ شيء جواز و جواز الصّراط حبّ علی بن ابی طالب».(1)

برای هر چیزی پایه ای است و پایه اسلام محبت به اهل بیت است.

«لكلّ شيء اساس و اساس الاسلام حبّنا اهل البيت».

نیل به مقام شهادت؛

قال رسول الله: «الا- من مات علی حبّ آل محمّد مات شهیداً مات مغفوراً له مات مؤمناً مات مستکمل الايمان مات تائباً بعثه ملك الموت بالجنّة یزف الی الجنّة كما تزف العروس الی بیت زوجها فتح فی قبره بابان الی الجنّة جعل الله قبره مزار الملائكة...».(2)

رسول خدا فرمود: کسی که بر محبت آل محمد بمیرد، شهید مرده است؛ کسی که بر محبت آل محمد بمیرد، با آمرزش گناهان مرده است؛ بدانید کسی که بر محبت آل محمد بمیرد، با توبه از گناهان خود مرده است؛ بدانید کسی که بر محبت آل محمد بمیرد، با ایمان کامل مرده است؛ بدانید کسی که بر محبت آل محمد بمیرد، فرشته مرگ و سپس منکر و نکیر به او مژده می دهند؛ بدانید کسی که بر محبت آل محمد بمیرد مانند عروس که به خانه همسرش می رود با تجلیل به بهشت فرستاده می شود؛ بدانید کسی که بر محبت آل محمد بمیرد خداوند فرشته های رحمت را به زیارت قبرش می فرستد؛ بدانید کسی که بر محبت آل محمد بمیرد بر سنت و جماعت مرده است.

ص: 70

1- بحار الانوار ج 39 ص 202

2- کشف ج 4 ص 202 تفسیر کبیر ج 27 ص 165

لولاك لما خلقت الأفلاك»

حدیث شریف «لولاك لما خلقت الأفلاك و لولا علی لما خلقتك» حدیث قدسی است که در منابع مختلف اسلامی (روایی و تاریخی) وارد شده است، از جمله در بحارالانوار جلد 57 صفحه 19 و 201 و جلد 60 صفحه 303 مدینه المعاجز صفحه 153 الغدیر جلد 5 صفحه 435 وفاء الوفاء سمهودی صفحه 419 مستدرک حاکم جلد 2 صفحه 16 نقل شده است.

با توجه به چند مقدمه معنای حدیث روشن می شود که مقصود از خلقت و آفرینش نظام هستی، حضرت فاطمه است:

الف. هدف از خلقت انسان، تکامل است؛ (وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ). (1)

ب. برترین انسان ها در طول تاریخ، چهارده معصوم هستند زیرا عصمت و طهارت آنها را قرآن کریم امضا کرده است؛ (إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا). (2)

ج. این هدف متعالی خلقت که تکامل است، در برخی از انسان ها باید تحقق یابد وگرنه نقض غرض لازم می آید و نقض غرض در افعال الهی

ص: 71

1- . ذاریات 56

2- . احزاب 33

مستلزم عجز یا جهل است که محال است و این هدف در چهارده معصوم محقق شده است.

و انسان های دیگر به طفیل آنها آفریده شده اند.

ممکن است سؤال شود مگر ممکن است خداوند جهان به این عظمت را به خاطر 14 نفر بیافریند؟ پاسخ این است که سخن در هدف اعلا است، انسان های دیگر نیز تا حدودی به این هدف نایل شده اند. به هر اندازه که در مسیر عبودیت قدم بردارند، به همان اندازه در مسیر هدف قرار دارند. ثانیاً هدف مزبور به اندازه ای مهم است که يك نفر مقصود کل خلقت باشد ارزش دارد خداوند این همه تشکیلات را آماده کند، تا چه رسد به چهارده نفر.

از حدیث شریف کساء نیز استفاده می شود که جهان هستی به برکت وجود آنها خلق شده است «و عزّتی و جلالی ائی ما خلقت سماء مبنیة و لا ارضاً مدحیة و لا قمرأ منیراً و لا شمساً مضیئة و لا فلکاً یدور و لا بحرأ یجری و لا فلکاً تسری الا لاجلکم و محب تکم» (1).

چه اینکه از حدیثی که گوید همه آب های دنیا مهریه حضرت زهرا است یعنی حیات طبیعت به خاطر اوست.

ص: 72

اما اینکه گوید اگر علی نبود تو را نمی آفریدم، زیرا ولایت حضرت علی ادامه رسالت پیامبر اکرم است (وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ) (1) و به وسیله امامت علی دین کامل گشت؛ «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ» .

اما اگر فاطمه نبود، خبری از پیامبر و امیرالمؤمنین نبود به جهت آن است که ادامه امامت و مکمل رسالت و دین اسلام به وسیله فاطمه و نسل طیب و طاهر او به وقوع پیوست.

و هدف نهایی بعثت پیامبران که قیام به قسط و عدالت است در پرتو قیام فرزند فاطمه، حضرت مهدی صورت می پذیرد.

مثال: باغبان هنگامی که درختی را غرس می کند به امید میوه این عمل را انجام می دهد و تا درختی نباشد میوه ای که مورد نظر باغبان است حاصل نمی شود. بنابراین مقصود اصلی رسیدن به میوه است. شاید از این جهت پیامبر اکرم که شجره طیبه و درخت پاکیزه رسالت است از حضرت فاطمه به عنوان میوه دل یاد کرده است؛ «هی ثمره فؤادی».

ص: 73

15. برکات حضرت فاطمه

حضرت فاطمه دارای برکات فراوانی برای مسلمانان بوده و خواهد بود:

1. به برکت نام او فقر وارد هیچ منزلی نمی شود. امام کاظم می فرماید: «لا یدخل الفقر بیتاً فیه اسم محمد او احمد او علی او الحسن او الحسین او فاطمة من النساء».(1)
- شاید مراد از فقر اعم از فقر ظاهری و معنوی باشد.
2. به برکت چادر او هشتاد نفر مسلمان شدند.(2)
3. به وسیله دعای فاطمه مردم مورد رحمت قرار می گیرند؛ «الجار ثم الدار».
4. به برکت تسبیح حضرت فاطمه بعد از هر فریضه خداوند ثواب هزار رکعت نماز مستحبی عنایت می کند.
5. به برکت خطبه او مردم با معارف اسلام آشنا شدند و چهره منافقان آن زمان آشکار شد.

ص: 74

-
- 1- . کافی ج 6 ص 19
 - 2- . بحار الانوار ج 43 ص 30 - داستان این موضوع در بحث کرامت های حضرت فاطمه (س) بیان شده است.

6. به برکت محبت فاطمه مردم از عذاب الهی نجات پیدا می کنند؛ «... لأنَّ الله عزوجل فطمها و فطم من احبها من التار» (1).

7. به برکت ایثارگری فاطمه تهیدستی ثروتمند و گرسنه ای سیر و بنده ای آزاد شد. به این داستان توجه کنید:

جابر بن عبدالله انصاری گوید: روزی نماز عصر را با پیامبر خواندیم و پس از آن مردم اطراف او نشستند، در این حال پیرمرد ضعیف و فقیری نزد آن حضرت آمد و پیامبر احوال او را پرسید. پیرمرد پاسخ داد ای پیامبر خدا! من گرسنه ام، سیرم کن! برهنه ام بپوشانم! و فقیرم مورد احسانم قرار ده!

حضرت فرمود من چیزی نزد خود ندارم اما به منزل کسی برو که خدا و رسولش را دوست دارد و خداوند و رسولش هم او را دوست دارند و در راه خدا ایثار می کند. به منزل فاطمه برو. آنگاه به بلال فرمود او را به منزل فاطمه ببر.

پیرمرد با بلال حرکت کرد. وقتی به منزل رسیدند با صدای بلند گفت: «السَّلام علیکم یا اهل بیت النبوة».

فاطمه جواب او را داد و پرسید تو کیستی؟ او در جواب گفت پیرمردی هستم گرسنه و برهنه، به من کمک کن، خداوند تو را مورد رحمت خود قرار دهد.

ص: 75

فاطمه و علی و پیامبر سه روز بود که غذا نخورده بودند و طعامی در منزل نبود. چیز دیگری هم که مورد قبول پیرمرد باشد نداشت. تنها گلوبندی داشت که دختر عموی پدرش (دختر حمزه سیدالشهدا) به او هدیه داده بود. آن را از گردش بیرون آورد و به پیرمرد داد و فرمود آن را بفروش و نیازهای خود را برآورده ساز.

پیرمرد گلوبند را گرفت و به مسجد آمد و در حالی که پیامبر در میان اصحاب نشسته بود، گفت ای رسول خدا! فاطمه این گلوبند را به من داد و گفت خداوند برایت چاره سازی کند. حضرت گریه کرد و فرمود چگونه خداوند برای تو چاره سازی نکند در حالی که فاطمه سرور دختران آدم گلوبندش را به تو داد.

پیرمرد گلوبند را در معرض فروش قرار داد. عمار پرسید چند می فروشی؟ و او جواب داد به اندازه يك وعده غذا که مرا سیر کند و يك لباس که مرا بپوشاند و با آن نماز بخوانم و يك دینار که با آن به منزل خود برسم. عمار از غنیمتی که از جنگ خیبر به او رسیده بود يك وعده غذا و يك لباس و بیست دینار و دویست درهم به او داد و گلوبند را خریداری کرد.

پیرمرد نزد رسول خدا آمد و از او و فاطمه تشکر کرد و حمد و ثنای خدا گفت و رفت.

عمار گلوبند را با مشك خوشبو كرد و آن را در پارچه یمنی قرار داد و به غلامش داد و گفت آن را به رسول خدا بده و تورا هم به او بخشیدم.

غلام عمار نزد آن حضرت رفت و او را از سخن عمار آگاه كرد. پیامبر هم كه مالك گلوبند و غلام شد به او فرمود: نزد فاطمه برو و گلوبند را به او بده و تورا هم به او بخشیدم. غلام نزد فاطمه رفت و او را از سخن رسول خدا آگاه كرد.

فاطمه گلوبند را گرفت و غلام را آزاد كرد.

غلام كه به دست فاطمه آزاد شده بود خندید. زهرا از او پرسید چه چیزی تورا به خنده آورد؟

غلام پاسخ داد برکت این گلوبند مرا خندانند. زیرا این گلوبند گرسنه ای را سیر كرد، عریانی را پوشاند، فقیری را بی نیاز كرد، بنده ای را آزاد كرد و در پایان به دست صاحبش رسید.

ص: 77

16. شباهت های حضرت فاطمه به امیرالمؤمنین

امام صادق فرمودند اگر خداوند امیرالمؤمنین را برای حضرت فاطمه نمی آفرید برای آن حضرت نظیری روی زمین وجود نداشت؛ «لولا انّ الله خلق امیرالمؤمنین لفاطمة ما كان لها كفو علی ظهر الارض من آدم و من دونه»⁽¹⁾.

میان این دو بزرگوار شباهت هایی وجود دارد از جمله:

1. خلقت هر دو نوری بود.

«خلق نور فاطمة قبل ان یخلق الارض و السماء»⁽²⁾.

2. هر دو در رحم مادر سخن گفتند.

فاطمه بنت اسد می گوید در حال طواف بودم ناگاه فرزندم به من فهماند از کنار بت رد شو و توقف نکن. فاطمه نیز در رحم مادر به حضرت خدیجه تسلی خاطر می داد.

3. وقتی حضرت علی به دنیا آمد، بعد از اجرای شهادتین سوره مؤمنون را تلاوت کرد. حضرت فاطمه وقتی متولد شد به زبان فصیح شهادتین گفت و بعد این جملات را بیان کرد: «و انّ ابی سید الانبیاء و و بعلی سید الاوصیاء و ولدی سادة الاسباط»⁽³⁾.

ص: 78

1- . بحار الانوار ج 43 ص 107

2- . بحار الانوار ج 43 ص 4

3- . بحار الانوار ج 3 43

اگر حضرت علی بینه خداوند است و در روز جنگ صفین فرمود قرآن ناطق من هستم، حضرت فاطمه نیز آیت بزرگ الهی است؛ «هی و الله آیه لرسول الله بل له رحمة اهداها».

3. اگر حضرت علی در حال رکوع به سائل انگشتر داد، حضرت فاطمه در شب عروسی به سائل پیراهن نو داد.

4. اگر حضرت علی روی منبر نشست و فرمود: «سلونی قبل ان تققدونی». حضرت فاطمه فرمود: «ادن لاحدک بما کان و ما یکون و ما هو کائن».

5. اگر حضرت علی از خوف خداوند غش می کرد، حضرت فاطمه نیز همین حال را داشت که خداوند به فرشتگان فرمود: «انظروا الی امتی فاطمة».

6. حضرت علی و فاطمه هر دو دارای عصمت و مشمول آیه تطهیر بودند. (1)

7. هر دو موفق به بندگی خدا بودند. امام سجاد می فرماید چه کسی قدرت دارد همانند حضرت علی عبادت کند؛ «و من یقوی علی عبادة علی بن ابی طالب». (2)

ص: 79

1- . آیه 33 احزاب

2- . وسائل الشیعه ج 6 ص 91

امام حسن فرمود: «ما كان في الناس اعبد من فاطمة». (1)

10. محبت به هردو مایه سعادت بشر است؛ «لو اجتمع الناس على حبّ علي لما خلق الله النار». (2)

پیامبر اکرم فرمود: «حبّ فاطمة ينفع في مائة موطن ايسرها القبر».

یکی از وجوه تسمیه فاطمه آن است که شیعیان را از عذاب الهی منقطع می سازد؛ «لأنّ الله عزوجل فطمها و من احبّها من النّار». (3)

11. هردو دارای مقام شفاعت هستند.

12. هردو مایه افتخار برای فرزندان خود بودند. امام حسین روز عاشورا فرمود: «انا ابن علی المرتضی انا ابن فاطمة الزّهراء».

امام کاظم می فرماید: «انّ فاطمة صديقة شهيدة». (4)

13. قدر و منزلت هردو مجهول ماند.

14. حق هردو غصب شد.

15. هردو مورد ظلم و ستم قرار گرفتند.

16. هردو را مخفیانه و شبانه دفن کردند.

17. هردو آرزوی مرگ کردند.

ص: 80

1- . بحار الانوار ج 43 ص 76

2- . بحار الانوار ج 92 ص 19

3- . بحار الانوار ج 43 ص 12

4- . کافی ج 1 ص 458

18. هردو دارای ولایت تکوینی بودند.

19. هردو به مقام شهادت نائل آمدند.

17. شباهت های حضرت مهدی به حضرت فاطمه

حضرت مهدی می فرماید: «فی ابنة رسول الله لی اسوة حسنة».(1)

1. هردو باقیمانده و ادامه نبوت هستند. بعد از آنکه حضرت فاطمه خطبه خواند، امیرالمؤمنین فرمود: «یا ابنة الصفوة وبقیة النبوة».

حکیمه خاتون وقتی حضرت مهدی را به پدرش امام حسن عسکری داد، ایشان فرمود: «یا حجة الله وبقیة الانبیاء و نور الاصفیاء».

2. هردو از طهارت نفس بهره مندند. پیامبر اکرم به اسماء بنت عمیس فرمود: «اما علمت انّ ابنتی فاطمة طاهرة مطهرة».

پیامبر درباره حضرت مهدی فرمود: «ان الله عزوجل رغب فی صلب الحسین نطفة مباركة زکیة طیبة طاهرة مطهرة».

3. فرشتگان با هردو سخن گفتند. امام صادق فرمود: «اتما سمیت فاطمة محدثة لأنّ الملائكة تهبط من السماء فتنادیها كما تنادی بنت عمران».

ص: 81

پیامبر اکرم فرمود: «من ولدی اثنی عشر نقیباً نجباء محدثون مفهمون آخرهم القائم بالحق».

4. هردو ستاره درخشان هستند. امام صادق در ذیل آیه (كَانَهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ) فرمود: «كان فاطمة كوكب دري بين نساء اهل الارض».

نظیر همین تعبیر درباره حضرت مهدی وارد شده است.

5. هردو واجد صبر هستند: «يا ممتحنة امتحنك الذي خلقك قبل ان يخلقك فوجدك لما امتحنك صابرة».

در دعای غیبت امام زمان می خوانیم: «فإنه الهادي... الصابر المجتهد السکور».

18. فضیلت حضرت فاطمه بر پیامبران

1. حضرت فاطمه از عترت پیامبر است و عترت پیامبر هم سنگ و همتای قرآن کریم است؛ «انّی تارك فيكم الثقلين كتاب الله وعترتي».

همتابی این دو ثقل از اینجا معلوم می شود که پیامبر فرمود از یکدیگر جدا نمی شوند (ولن يفترقا) اگر کمالی یکی داشته باشد که دیگری فاقد باشد افتراق لازم می آید و از سویی قرآن کریم بر همه کتب

ص: 82

آسمانی برتری دارد (وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَ مُهَيِّمًا عَلَيْهِ). (1)

وفضیلت پیامبران بر محور کتاب آسمانی است که به آنها عنایت شده است. حال اگر قرآن بر کتب آسمانی فضیلت دارد، عترت پیامبر که همتای قرآن است نیز بر پیامبران فضیلت دارند.

2. حضرت ابراهیم با اینکه خود از صالحین است (و وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ نَافِلَةً وَ كُلًّا جَعَلْنَا صَالِحِينَ) (2) در عین حال تقاضا می کند در قیامت به صالحین ملحق شود؛ (رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَ الْخَيْرَ بِالصَّالِحِينَ). (3)

از اینجا معلوم می شود صالحین مراتب دارند و حضرت ابراهیم آن مرتبه والا را طلب می کند. مرحوم علامه طباطبایی می فرماید آن مقام برتر و والای صالحین را که ابراهیم طلب می کند جز مقام و منزلت پیامبر و اهل بیت او نمی باشد.

قرآن از لسان پیامبر نقل می کند: (إِنَّ وَلِيِّ اللَّهِ الَّذِي نَزَّلَ الْكِتَابَ وَ هُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ). (4)

ص: 83

1- . مائده 48

2- . انبیاء 72

3- . شعراء 83

4- . اعراف 196

3. پیامبر اکرم بر همه انبیاء فضیلت دارد. علی به شهادت آیه مباحله (أَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ) همتای پیامبر است و فاطمه زهرا هم کفو امیرالمؤمنین است. پس حضرت فاطمه بر همه پیامبران جز پیامبر اکرم فضیلت دارد.

4. امام صادق می فرماید هیچ پیامبری نیست مگر اینکه با شناخت مقام و برتری ما بر دیگران به مقام رسیده باشد؛ «ما من نبی قطّ الاّ بمعرفته حقّنا و بفضلنا علی من سوانا».(1)

5. امام صادق می فرماید تمام پیامبران به عظمت و فضیلت ما اعتراف کردند و در برابر ما خاندان تواضع کردند. کلیم الله شدن موسی و معجزات عیسی همه و همه به برکت ما اهل بیت بود؛ «ما کلمّ الله موسی تکلیماً الاّ بولاية علی و لا اقام الله عیسی بن مریم آیه للعالمین الاّ بالخضوع لعلیّ ثم قال اجمل الامر ما استاهل خلق من الله النظر الیه الاّ بالعبودية لنا».(2)

6. امام صادق فرمود آل محمد برترین مخلوقات خداوندند؛ «آل محمد خیر من برء الله».(3)

ص: 84

1- . بحار الانوار ج 26 ص 281

2- . بحار الانوار ج 26 ص 294

3- . بحار الانوار ج 26 ص 283

کوتاه سخن اینکه هیچ انسانی با آنها مقایسه نمی شود؛ «نحن اهل البيت لا يقاس بنا احد».(1)

19. فضیلت حضرت فاطمه بر حضرت مریم

ویژگی هایی که حضرت مریم دارد، تمام آن ویژگی ها را و بلکه بهتر از آن را حضرت فاطمه دارد:

1. فرشتگان با حضرت مریم سخن گفتند؛ (إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ). (2)

فرشتگان با حضرت فاطمه نیز سخن گفتند، از این رو محدثه نامیده شده است.

2. حضرت مریم از طهارت نفس و عصمت برخوردار است؛ (إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ). (3)

حضرت فاطمه نیز دارای عصمت و مشمول آیه تطهیر است؛ (إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً). (4)

ص: 85

1- . بحار الانوار ج 26 ص 269

2- . آل عمران 45

3- . آل عمران 42

4- . احزاب 33

3. حضرت مریم سید و سرور زنان عصر خودش بود، حضرت فاطمه سید و سرور زنان عالم در طول تاریخ است.

قلت لأبي عبدالله قول رسول الله فاطمة سيدة نساء أهل الجنة أسيدة نساء عالمها قال ذلك مریم و فاطمة سيدة نساء أهل الجنة من الاولين و الآخرين».(1)

4. جبرئیل از آینده روزگار به حضرت مریم خبر نداد، اما به حضرت فاطمه خبر داد؛ «و كان جبرئیل يأتيها فيحسّن عزاها على أبيها و يطيب نفسها و يخبرها عن أبيها و مكانها و يخبر بما يكون بعدها و كان على يكتب ذلك فهذا مصحف فاطمة».

5. حضرت مریم مادر يك كلمة الله است، حضرت فاطمه مادر يازده كلمة الله است. جالب آنکه فرزند مریم به فرزند فاطمه در نماز اقتدا می کند؛ «المهدى الذى يصلى خلفه عيسى بن مریم».(2)

6. حضرت مریم از متواضعان و عابدان بود؛ (وَ صَدَّقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَ كُتِبَ عَلَيْهَا مِنَ الْقَوَاتِينِ). (3)

ص: 86

1- . بحار الانوار ج 43 ص 21

2- . كشف الغمه ج 3 ص 157

3- . تحریم 12

حضرت فاطمه نیز از متواضعان و عابدان بود، از این رو خداوند به فرشتگان مباحثات می کند و می فرماید: «انظروا الی امتی فاطمة کیف ترتعد فرائصها من خیفتی».

7. اگر فرزند حضرت مریم در آغاز ولادت سخن گفت؛ (قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَ جَعَلَنِي نَبِيًّا) (1)، فرزند فاطمه (امام حسین) در شکم مادر سخن گفت: «انا الغریب، انا الشَّهید، انا العطشان».

8. برای حضرت مریم از جهان غیب غذا می رسید؛ (قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنِّي لَكَ هَذَا فَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ) (2).

زمخشری در کشف جلد 1 صفحه 354 حدیثی را نقل می کند که رزق از جهان غیب در بعضی از زمان ها برای حضرت فاطمه نیز بوده است.

ص: 87

1- . مریم 30

2- . آل عمران 37

مریم از يك نسبت عیسی عزیز *** نور چشم رحمه للعالمین
آن که جان در قالب گیتی دمید *** با ندای آن تاجدار هل اتی
آن یکی شمع شبستان حرم *** تا نشیند آتش پیکار کین
وآن دگر مولای ابنای جهان *** از سه نسبت حضرت زهرا عزیز
آن امام اولین و آخرین *** روزگار تازه آئین آفرید
مرتضی مشکل گشا فرمانروا *** حافظ جمعیت خیرالامم
پشت پازد بر سر تاج و نگین *** قوت بازوی احرار جهان

20. کرامت های حضرت زهرا

اشاره

حضرت فاطمه دارای کرامات متعددی بود که پیام آنها اثبات حقانیت و آسمانی بودن آن گوهر خلقت بود. آنچه در این قسمت بیان می کنیم گزیده ای از معجزات مشهور آن حضرت است:

لباس های بهشتی

عده ای از یهود که به دنبال برگزاری جشن عروسی بودند، به محضر رسول خدا رسیدند و گفتند ما حق همسایگی بر شما داریم و

درخواست می کنیم که دخترت فاطمه را به جشن عروسی ما بفرستید تا با حضور او شکوه بیشتری پیدا کند و بر خواسته خود اصرار کردند.

پیامبر فرمود او همسر علی بن ابی طالب است و به حکم او عمل می کند. یهودی ها از آن حضرت خواستند تا نزد علی وساطت کند تا فاطمه را به مجلس عروسی آنها بفرستد.

زنان یهود به انواع و اقسام زینت های برگرفته از دریا و زمین خود را آراسته بودند و گمان داشتند که فاطمه با لباس های ساده و کم ارزشی وارد مجلس عروسی می شود و می خواستند او را با چنین لباس هایی تحقیر کنند. در این هنگام حضرت جبرئیل لباس ها و زینت هایی را از بهشت برای فاطمه آورد که مثل آن دیده نشده بود.

فاطمه لباس های بهشتی را پوشید و خود را به آن زینت ها آراست، به طوری که دیگران از دیدن آنها به شگفت آمده بودند. وقتی وارد مجلس عروسی شد، زنان یهود چنان از لباس های زیبای بهشتی او شگفت زده شدند که او را تعظیم کردند و جمع زیادی از آنها با این معجزه مسلمان شدند. (1)

ص: 89

زمان قحطی بود و پیامبر در گرسنگی به سر می برد. فاطمه دو قرص نان و مقداری گوشت برای پدرش آماده کرد و برای او فرستاد. وقتی غذاها به دست آن حضرت رسید آنها را با خود برداشت و به نزد فاطمه آمد و او را نزد خود فراخواند.

فاطمه جلو آمد و طبق از روی غذا کنار زد و دید ظرف پر از نان و گوشت است؛ تعجب کرد و فهمید که این غذا از سوی خداوند است. پیامبر پرسید این غذا را از کجا آوردی؟ فاطمه جواب داد از سوی خداوند است. او به هر کسی که بخواهد، بدون حساب روزی می دهد. رسول خدا فرمود: حمد خدا را که تو را شبیه سرور زنان بنی اسرائیل (مریم) قرار داد. آنگاه علی بن ابی طالب و حسن و حسین و همه خانواده اش را جمع کرد و همگی از آن غذا خوردند و سیر شدند و به همان اندازه باقی ماند که زهرا به همسایه ها داد. (1)

نور لباس فاطمه

امیرالمؤمنین مقداری جواز يك يهودی قرض خواست. مرد يهودی از آن حضرت درخواست گرو کرد و امام چادر فاطمه را

ص: 90

نزد او به رهن گذارد. مرد یهودی چادر را به منزل برد و در یکی از اتاق های خود قرار داد.

وقتی شب فرارسید همسر او به اتاقی که چادر فاطمه در آن بود رفت و مشاهده کرد نوری به سوی بالا می تابد و همه جا را روشن کرده است. نزد همسر خویش بازگشت و به او خبر داد که نور بزرگی را مشاهده کرده است.

مرد یهودی که فراموش کرده بود چادر فاطمه در منزل او قرار دارد با عجله بلند شد و به درون آن اتاق رفت و دید شعاع نوری همه جا را فراگرفته است و گویا این نور يك ماه نورانی است که از نزدیک نورافشانی می کند. در شگفتی فرورفت و به مکانی که چادر در آن قرار داشت توجه کرد و فهمید این نور از چادر فاطمه است. آنگاه به سراغ اقوام خود رفت و همسرش نیز نزد خویشان خود رفت تا آنها نیز این نور شگفت انگیز را مشاهده کنند. هشتاد نفر یهودی آمدند و این نور را مشاهده کردند و همگی از دیدن این معجزه مسلمان شدند. (1)

گردش آسیاب

رسول خدا سلمان را به حضور فاطمه فرستاد. سلمان گوید من درب منزل ایستادم تا بر فاطمه سلام کنم که صدای قرآن او را از

ص: 91

داخل خانه شنیدم و در حیاط منزل آسیاب دستی او را دیدم که بدون آنکه کسی آن را بگرداند، حرکت می کرد.

سلمان به محضر رسول خدا رسید و آنچه را دیده بود به او خبر داد. حضرت تبسم کرد و فرمود: ای سلمان! خداوند قلب و جوارح دخترم فاطمه را پر از ایمان کرده است تا برای عبادت خدا فارغ شود. (1)

نور فاطمه

ابان بن تغلب گوید: به امام صادق عرض کردم یا بن رسول الله! چرا زهرا، زهرا نامیده شد؟

حضرت در جواب فرمود: زیرا روزانه سه بار برای امیرالمؤمنین می درخشید. نور چهره زهرا به هنگام نماز صبح می درخشید در حالی که مردم در بستر خود آرمیده بودند. سفیدی این نور به خانه های آنها در مدینه می رسید و منازل آنها را روشن می کرد. مردم تعجب می کردند و به محضر رسول خدا می رسیدند و از نوری که دیده بودند سؤال می کردند. پیامبر آنها را به منزل فاطمه می فرستاد. آنها می رفتند و او را در محراب نماز مشاهده می کردند، در حالی که نور از چهره اش بالا می رفت و می فهمیدند آنچه را دیده بودند نور فاطمه است.

ص: 92

این درخشش به هنگام نماز ظهر و هنگام نماز مغرب نیز صورت می گرفت. نور هنگام ظهر زردرنگ و هنگام مغرب قرمز بود. (1)

شگفتی های قبل از تولد

وقتی خدیجه به فاطمه باردار شد همواره از درون رحم با مادر سخن می گفت و او را به صبر فرامی خواند. خدیجه همواره سخن گفتن با حملش را از رسول خدا پنهان می کرد تا اینکه روزی بر او وارد شد و شنید که با فاطمه سخن می گوید.

به او فرمود ای خدیجه! جبرئیل به من خبر داد که حمل تو دختر است و نسل پاک و مبارکی است و خدای بزرگ نسل مرا از او قرار می دهد و از او امامانی به جا می گذارد که بعد از من آنها را خلفای خود در زمین خواهد کرد. (2)

حرکت دیوارهای مسجد

وقتی امیرالمؤمنین را با اکراه از منزل بیرون بردند تا از او بیعت بگیرند، فاطمه به دنبال او از منزل بیرون آمد و زنان بنی هاشم نیز به همراه او بودند تا به قبر رسول خدا نزدیک شد. آنگاه فرمود: دست از پسر عمویم بردارید! قسم به کسی که محمد را به حق برانگیخت اگر او

ص: 93

1- . بحارالانوار ج 43 ص 11

2- . بحارالانوار ج 43 ص 2 و 3

را رها نکنید موهایم را پریشان می کنم و پیراهن رسول خدا را بر سرم می گذارم و به درگاه خدای تعالی ناله می زنم.

سلمان گوید: من نزدیک فاطمه بودم و به خدا قسم دیدم که پایه دیوارهای مسجد رسول خدا از پایین کنده شد، به گونه ای که اگر کسی می خواست از زیر آنها بگذرد می توانست. من خود را به او نزدیک تر کردم و گفتم: ای سرور و مولای من! خداوند پدرت را به رحمت برانگیخت و تو آنها را گرفتار عذاب مکن. آنگاه فاطمه برگشت و دیوارهای مسجد به جای خود بازگشت. (1)

امام باقر می فرماید: به خدا سوگند اگر حضرت فاطمه موهای خویش را آشکار می کرد، همه آنها می مردند؛ «و الله لو نشرت شعرها ماتوا طراً». (2)

ص: 94

1- . بحار الانوار ج 28 ص 206

2- . کافی ج 8 ص 238 بحث کرامت ها از کتاب سیمای حضرت فاطمه صفحه 94 تا 99 نقل شده است.

21. ترس فاطمه از خداوند متعال

1. در قرآن کریم تعبیرات مختلفی از ترس شده است؛

خوف خشیت رعب رهب نذر وجل حذر فزع.

2. تفاوت خوف و خشیت؛

راغب گوید خشیت ترسی آمیخته با تعظیم و نوعاً از روی علم و معرفت است؛ (إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ). (1)

نقد: این مطلب کلیت ندارد، زیرا تعظیم و علم و معرفت به خاطر متعلق آن است.

به جهت اینکه قرآن گوید: (وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا) (2) (فَاضْرِبْ لَهُمْ طَرِيقاً فِي الْبَحْرِ يَبَساً لَا تَخَافُ دَرَكاً وَلَا تَخْشَى). (3)

3. در قرآن گاهی ترس به اولیای الهی نسبت داده شده و گاهی نفی شده. جمع بین آیات چگونه است.

(قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ). (4)

ص: 95

1- . فاطر 28

2- . توبه 24

3- . طه 77

4- . انعام 15 یونس 15 زمر 13

(يُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَ يَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا .. * .. إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا). (1)

(أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ). (2)

پاسخ:

الف. ترس از خداوند متعال به جهت احساس عظمت و بزرگی او يك نوع کمال است و همین ترس عامل تهذیب نفس و تزکیه روح است و موضوع ترس مربوط به دنیا می باشد و عدم ترس و حزن، مربوط به آخرت.

ب. در آیاتی که پیامبر گوید (إِنِّي أَخَافُ) مقید به شرط (إِنْ عَصَيْتُ) است. بنابراین اگر عصیان نباشد ترسی نیست زیرا آنها افراد مطمئن اند؛ (أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ) (3)

ج. سه گونه ترس داریم: 1. ترس طبیعی مانند ترس از حیوانات موذی یا افراد مسلح. 2. ترس از اعمال مانند ترس مجرم از قاضی عادل. 3. ترس شاگرد از استاد، که بخاطر عظمت علمی استاد جرأت سخن گفتن ندارد.

ترس امام یا پیامبر از خداوند مانند ترس شاگرد از استاد است نه بخاطر اعمال زیرا آنان معصوم اند.

ص: 96

1- . دهر 7-10

2- . یونس 62

3- . رعد 28

و لذا کسی که اعمالش ناشایست است، می ترسد مانند یهود که ترس از مرگ داشتند؛ (قُلْ إِنْ كُنْتُمْ لَكُمْ الدَّارُ الْآخِرَةُ عِنْدَ اللَّهِ خَالِصَةً مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ * وَلَنْ يَتَمَنَّوَهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ (1))

قرآن کریم می فرماید رسولان الهی تنها از خداوند می ترسند نه از غیر خداوند؛ (الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ (2))

امام حسین: «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي اخْشَاكَ كَأَنِّي أَرَاكَ».

قال علي: «من خاف الله امنه الله سبحانه من كل شيء من خاف الناس اخافه الله سبحانه من كل شيء» (3).

بنابراین ترس از خداوند مایه تربیت و تکامل بشر است، لذا قرآن کریم می فرماید: (وَإِذَا يَأْتِي فَاذْهَبُونَ (4) فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ (5) فَلَا تَخْأَفُوهُمْ وَخَافُونَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (6))

نکته دیگر اینکه حزب الله واقعی کسی است که از خدا بترسد و این منحصر در بندگان دانشمند خدا است. این مطلب از انضمام سه آیه شریفه ذیل استفاده می شود.

(رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ) (7) (رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ) (8) (إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ (9))

ص: 97

1- . بقره 94-95

2- . احزاب 39

3- . غرالحکم 9015

4- بقره 40

5- . مائده 3

6- . آل عمران 175

نوف بكالى گوید نیمه شب على را دیدم گریه می کند، فرمود: «انّ لله موقفاً ولنا من بين يديه موقفاً لا يخفى عليه شيء من اعمالنا يا نوف ان طال بكائك في هذه الليلة مخافة لله تعالى قرت عينك غداً بين يدي الله

» يقول الله عزوجل يا ملائكتي انظروا الى امتي فاطمة سيدة امائي قائمة بين يدي ترتعد فرائصها من خيفتي وقد اقبلت بقلبها على عبادتي اشهدكم اني قد آمنت شيعتها من النار».

ص: 98

22. اذیت شدن حضرت فاطمه

در قرآن کریم واژه اذیت 24 بار بیان شده است و اذیت از نظر قرآن کریم بر دو قسم است:

الف. اذیت حرام، مانند اذیت پیامبران و مؤمنان؛

(وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ) (1) (وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدِ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا). (2)

ب. اذیت لازم، مانند اجرای حدّ بر مرتکب کار خلاف عفت؛

(وَالَّذَانِ يَأْتِيَانِيَا مِنْكُمْ فَأْذُوهُمَا). (3)

1. اذیت شدن پیامبران در راه دین؛

پیامبران بزرگوار در راه نشر معارف دین از ناحیه دشمنان اذیت های گوناگونی را تحمل کردند؛

الف. (وَلَتَصْبِرَنَّ عَلٰی مَا آذَيْتُمُونَا وَعَلٰی اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ). (4)

ب. (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ آذَوْا مُوسَىٰ فَبَرَّأَهُ اللَّهُ مِمَّا قَالُوا وَكَانَ عِنْدَ اللَّهِ وَجِيهًا). (5)

ص: 99

1- . توبه 61

2- . احزاب 58

3- . نساء 16

4- . ابراهیم 12

5- . احزاب 69

ج. (وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ لِمَ تَأْتُونَنِي وَقَدْ تَعَلَّمُونَ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ). (1)

2. پیامبر اکرم اذیت های فراوانی را از ناحیه منافقان یا مسلمانان ضعیف الایمان مشاهده کرد که دو نمونه اش را قرآن کریم بیان می کند:

مسلمان ها می آمدند در منزل پیامبر برای مهمانی و بعد از صرف غذا می نشستند و حرف های بی فایده می زدند و اوقات ارزشمند پیامبر را می گرفتند. قرآن کریم دستور داد وقتی غذا خوردید متفرق شوید زیرا جلوس شما مایه اذیت پیامبر است؛ (فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا وَلَا مُسْتَأْسِنِينَ لِحَدِيثٍ إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ يُؤْذِي النَّبِيَّ فَيَسْتَحْيِي مِنْكُمْ وَاللَّهُ لَا يَسْتَحْيِي مِنَ الْحَقِّ). (2)

مورد دوم اینکه می آمدند نزد پیامبر حرفی را می زدند و پیامبر استماع می کرد، دیگری می آمد بر خلاف اولی حرف می زد آن را هم نیز استماع می کرد، بعد به یکدیگر می گفتند پیامبر گوش است، یعنی سخن همه را تصدیق می کند؛ (وَمِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أُذُنٌ قُلْ أُذُنٌ خَيْرٌ لَكُمْ). (3)

3. برخی از آیات قرآن پاداش اذیت شدن در راه خدا را جاودانگی در بهشت بیان می کند؛ (فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَأُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأُذُوا فِي سَبِيلِي

ص: 100

1- . صف 5

2- . احزاب 53

3- . توبه 61

فَاتَلُوا وَقُتِلُوا لَأَكْفَرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَأَلَدَخِلْنَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ثَوَابًا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ. (1)

4. برخی از آیات فلسفه حجاب را اذیت نشدن زنان می داند؛ (يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِرِجَالِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ). (2)

5. در برخی از آیات کیفر تلخ اذیت کردن پیامبر اکرم بیان شده است؛

(وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ). (3)

(إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا). (4)

6. امیرالمؤمنین می فرماید خداوند فرموده است «لیأذن بحرب منی من اذی عبدی المؤمن»: کسی بنده مؤمن را اذیت کند با من به جنگ برخاسته است. (5)

7. و نیز می فرماید کسی که به مؤمنی نگاه کند که بخواهد با آن نظر او را بترساند، روز قیامت خداوند او را می ترساند، روزی که هیچ سایه ای

ص: 101

1- . آل عمران 195

2- . احزاب 59

3- . توبه 61

4- . احزاب 57

5- . بحار الانوار ج 75 ص 152

نیست جز سایه رحمت او: «من نظر الى مؤمن نظرة يخيفه بها اخافه الله يوم لا ظل الا ظله». (1)

8. به پیامبر اکرم گفتند فلانی روزه می گیرد و نماز شب می خواند و همسایه اش را اذیت می کند. حضرت فرمود چنین زنی اهل جهنم است؛ قیل لرسول الله ان فلانة تصوم النهار و تقوم اللیل و هی سیئة الخلق تؤذی جيرانها بلسانها فقال: «لا- خیر فیها هی من اهل النار». (2)

9. پیامبر اکرم فرمودند برای مؤمن روا نیست که به برادر مؤمن خود نگاه کند که او را بترساند و او اذیت شود؛ «لا یحل لمؤمن ان یشیر الی اخیه بنظرة تؤذیه». (3)

10. «من اذی مؤمناً و لو بشرط کلمة جاء یوم القیامة مکتوباً بین عینیه ایس من رحمة الله».

11. پیامبر اکرم فرمودند اگر کسی مؤمنی را محزون کند و دنیا را به او بدهد، کفاره آن نمی شود و مأجور نیست؛ «من احزن مؤمناً ثم اعطاه الدنیا لم یکن ذلك کفّارته و لم یوجر علیه». (4)

ص: 102

1- . بحار الانوار ج 75 ص 150

2- . مجموعه ورام ص 63

3- . محجّه البیضاء ج 5 ص 122

4- . بحار الانوار ج 5 ص 150

12. پیامبر اکرم فرمودند اگر کسی مؤمنی را اذیت کند مرا اذیت کرده است؛ «من اذى مؤمناً فقد اذانى».(1)

13. نکته قابل توجه این است که قرآن کریم به طور موجبه کلیه می فرماید کسانی که خدا و پیامبر را اذیت کنند، از رحمت حق در دنیا و آخرت به دورند و خداند عذاب مهین را برای آنان آماده کرده است؛ (إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَاباً مُّهِيناً). (2)

از سویی پیامبر اکرم درباره عظمت حضرت فاطمه فرمود: هرکس فاطمه را اذیت کند مرا اذیت کرده است و هرکس مرا اذیت کند خداوند را اذیت کرده است؛ «من اذاها فقد اذانى و من اذانى فقد اذى الله».(3)

این حدیث شریف مصداق آن قضیه کلی است. نتیجه اینکه برای آن کسانی که فاطمه را اذیت کردند عذاب مهین آماده شده است.

حدیث فوق در مدارك اهل سنت نیز آمده است: المستدرک على الصحيحین ج 3 ص 53 اسد الغابه ج 5 ص 522 كنز العمال ج 7 ص 111 صحیح بخاری ج 5 ص 177

ص: 103

1- . بحار الانوار ج 67 ص 72

2- . احزاب 57

3- . بحار الانوار ج 43 ص 202-204

قال علي: «انَّ فاطمة بنت رسول الله لم تزل مظلومة من حقها ممنوعة عن ميراثها مدفوعة لم تحفظ فيها وصية رسول الله و لا رعى فيها حقه و لاحق الله عزوجل و كفى بالله حكماً و من الظالمين منتقماً».(1)

23. مظلوميت حضرت فاطمه

اشاره

آيات كريمه قرآن در زمينه ظلم چهار دسته است:

1. ظلم از اوصاف سلبی خداوند است؛ (وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا) (2) و (وَمَا اللَّهُ يُرِيدُ ظُلْمًا لِّلْعَالَمِينَ). (3)
2. هرکس از حدود و تکالیف الهی تجاوز کند، به خود ظلم کرده است؛ (وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ). (4)
3. در قیامت به کسی ظلم نخواهد شد، هرکسی کیفر عمل خود را می بیند؛ (الْيَوْمَ تُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ لَا ظُلْمَ الْيَوْمَ). (5)

ص: 104

1- . فاطمه بهجه قلب المصطفى ص 549

2- . كهف 49

3- . آل عمران 108

4- . طلاق 1

5- . غافر 17

4. ظالم به خودش ظلم می کند نه به خداوند؛ (وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ). (1)

انواع ظلم

1. ظلم به خدا (شرك): (يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ). (2)

2. ظلم به نفس (تجاوز به حدود خدا): (وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ). (3)

3. ظلم به مردم (گمراه کردن مردم): (وَقَدْ أَضَلُّوا كَثِيرًا وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا ضَلَالًا). (4)

هر سه نوع ظلم در حقیقت ظلم به نفس است زیرا عمل از عامل جدا نیست.

جالب اینکه هر سه نوع ظلم در بیانی از امیرالمؤمنین نقل شده است: «الَا وَاِنَّ الظَّالِمِ ثَلَاثَةٌ فَظَلَمَ لَا يَغْفِرُ وَظَلَمَ لَا يَتْرَكَ وَظَلَمَ مَغْفُورٌ لَا يَطْلُبُ فَأَمَّا الظَّالِمُ الَّذِي لَا يَغْفِرُ فَالشِّرْكَ بِاللَّهِ... وَاَمَّا الظَّالِمُ الَّذِي يُغْفَرُ فَظَلَمَ الْعَبْدَ نَفْسَهُ عِنْدَ بَعْضِ الْهِنَاتِ وَاَمَّا الظَّالِمُ الَّذِي لَا يَتْرَكَ فَظَلَمَ الْعِبَادَ بَعْضَهُمْ بَعْضًا»:

ص: 105

1- . بقره 57

2- . لقمان 13

3- . طلاق 1

4- . نوح 24

آگاه باشید ظلم بر سه نوع است: ظلمی که بخشوده نشود و ظلمی که رها نگردد و ظلمی که قابل بخشش است. اما ظلمی که بخشوده نشود شرك و رزیدن به خداست، اما ظلمی که قابل گذشت است ظلم بنده درباره خویشان است که در مورد ارتکاب برخی از زشتی ها است، اما ظلمی که رهایی ندارد، ظلمی است که بندگان خدا به یکدیگر روا می دارند. (1)

در اینکه حضرت فاطمه مورد ظلم و ستم دشمنان دین واقع شده شکی نیست و روایاتی از شیعه و سنی در این جهت نقل شده است. نویسنده کتاب ارزشمند «فاطمة الزهرا بهجة قلب المصطفى» در فصل 31 صفحه 519 تا 566، 43 حدیث در زمینه مظلومیت حضرت فاطمه نقل کرده است.

مهم آن است که از این روایات استفاده می شود هر نوع ظلمی که تصور می شود از ارتکاب آن دریغ نورزید: ظلم عرضی، ظلم مالی، ظلم حقوقی و ظلم بدنی.

پیامبر اکرم می فرماید: از رحمت خداوند به دور است کسی که بعد از من به دخترم فاطمه ظلم کند و حق او را غصب کند و او را بکشد؛ «ملعون ملعون من یظلم بعدی فاطمة ابنتی و یغصبها حقها و یقتلها». (2)

امام صادق می فرماید شبی که پیامبر به معراج رفت به او خطاب شد ای رسول ما به دخترت فاطمه ظلم خواهد شد و حق او را غصب

ص: 106

1- . نهج البلاغه خطبه 176

2- . کنزالفوائد ج 1 ص 150

می کنند و با اینکه او حامله است، او را می زنند؛ «اما ابنتك فتظلم و تحرم و يؤخذ حَقُّها غصباً الَّذي تجعلها له و تضرب و هي حامل».(1)

امیرالمؤمنین می فرماید در محضر پیامبر بودیم شروع کرد گریه کردن. عرضه داشتم چرا گریه می کنید؟ «ما يبكيك يا رسول الله»، فرمود به خاطر ظلم هایی که به شما می شود و به تو ضربه می زنند و به فاطمه سیلی می زنند و حسنم را مسموم و حسینم را شهید می کنند؛ «ابكى مما يصنع بكم بعدى فقلت ما ذلك يا رسول الله فقال ابكى من ضربتك على القرن و لطم فاطمة خدّها و طعنة الحسن فخذها و السم الذى يسقى و قتل الحسين».(2)

ابن حجر عسقلانی می گوید عمر به فاطمه لگد زد تا اینکه محسن او سقط شد؛ انّ عمر رفس فاطمة حتّى اسقطت بمحسن.(3)

جابر بن عبدالله انصاری گوید پیامبر در حال احتضار بود که فاطمه وارد شد، چشمان خود را باز کرد و فرمود دخترم «انت المظلومة بعدى و انت المستضعفة بعدى فمن آذاك فقد آذانى و من سرّك فقد سرّنى».(4)

ص: 107

1- . كامل الزيارات باب 108 ص 332

2- . بحار الانوار ج 28 ص 51

3- . لسان الميزان ج 1 ص 268

4- . بحار الانوار ج 28 ص 76

مرحوم مجلسی (ره) نقل می کند که از روی مقنعه سیلی به صورت فاطمه زده شد که گوشواره اش کنده شد و بر زمین افتاد؛ «فصفقت صفقة علی خدیها من ظاهر الخمار فانقطع قرطها و تناشرت الی الارض»⁽¹⁾.

امام صادق فرمود سبب وفات فاطمه این بود که قنغد غلام عمر، فاطمه را با غلاف شمشیر زد؛ «و کان سبب وفاتها ان قنغداً مولی الرجل لکرها بنعل السیف بأمره»⁽²⁾.

امام مجتبی به مغیره فرمود تو بودی که دختر پیامبر را چنان زدی که خونریزی کرد و آنچه در شکم داشت افکند (فرزندش سقط شد)؛ «انت الّذی ضربت فاطمة بنت رسول الله حتّی ادميتها و القت ما فی بطنها»⁽³⁾.

ص: 108

1- . بحار الانوار ج 30 ص 294

2- . بحار الانوار ج 43 ص 170

3- . بحار الانوار ج 43 ص 197

24. هجوم به بیت وحی و دفاع از مقام ولایت

سرور زنان بهشت چهار نفرند؛ «سادات نساء الجنة اربعة آسية و مریم و خديجة و فاطمة». نقطه اشتراك این چهار نفر که عامل سیادت و سعادت آنهاست، دفاع از مقام ولایت است.

1. بعد از آنکه امیرالمؤمنین را برای بیعت کردن فراخواندند، حضرت امتناع ورزید و فرمود سبحان الله چه زود به پیامبر دروغ بستید، ابوبکر و اطرافیانش به خوبی می دانند که غیر از من کسی لایق مقام خلافت نیست؛ «و هو يعلم انّ محلی منها محل القطب من الریح»
2. ابوبکر به عمر دستور داد با جماعتی به طرف خانه فاطمه برو و همه را دعوت به بیعت کن، چنان که امتناع ورزید با او بجنگ و با زور او را نزد من بیاور.
3. عمر که مدت ها در انتظار چنین روزی بود با گروهی از منافقان به سوی منزل حضرت آمدند و فریاد کشید اگر برای بیعت کردن بیرون نیایید به خدا قسم خانه را با اهلش به آتش می کشم. شخصی با تعجب گفت فاطمه در خانه است. عمر گفت حتی اگر او باشد.
4. حضرت فاطمه تا فریاد و جاروجنجال او را شنید با عجله به طرف درب حرکت کرده و آن را محکم بست و از همانجا به دفاع از علی برخاست و به عمر خطاب کرد آیا از خدا پروا نداری؟ «فقلت یا

عمر اما تتقی الله؟ تدخل علی بیته». وای بر تو. آیا می خواهی نسل پیامبر را قطع کنی و نور خدا را خاموش کنی؟ و خداوند نورش را تمام می کند؛ «ویحک یا عمر ما هذه الجرأة علی الله و علی رسوله تريد ان تقطع نسله من الدنیا و تقنیه و تطفیء نور الله؟ و الله متم نوره». (1)

عمر بار دیگر فریاد کشید یا اطاعت کنید یا آتش انتخاب با شما است.

4. حضرت زهرا در اینجا ناله برآورد و گفت ای رسول خدا چه مصیبت هایی که از پسر خطاب و پسر ابی قحافه به ما نمی رسد؛ «نادت بأعلی صوتها یا ابت یا رسول الله ماذا لقینا بعدک من ابن الخطاب و ابن ابی القحافة».

5. عمر، گفت تا هیزم بیاورند و بیت وحی را به آتش بکشند. ناگاه دود غلیظی وارد خانه شد. عمر به درب نیم سوخته لگد زد و زهرا را که سرپوش مناسبی نداشت بین در و دیوار قرار داد.

«والله ما بایع علیّ حتی رأى الدخان فی بیته»

6. ناله حضرت زهرا بین در و دیوار بلند شد «یا ابتاه یا رسول الله» به دخترت بنگر که با او چگونه رفتار می کنند. آه ای فضا مرا دریاب که فرزندم کشته شد.

ص: 110

7. نامردان روزگار وارد منزل فاطمه شدند و امیرالمؤمنین را به زور به طرف مسجد بردند و حبل بر حبل المتین انداختند؛ «تواثبوا علی امیرالمؤمنین و هو جالس علی فراشه واجتمعوا علیه حتی اخرجوه سحباً من داره ملیباً ثوبه یجرّونه الی المسجد و القوه فی عنقه حب لاً اسود و حالت فاطمة بین زوجها و بینهم عند باب البیت». (1)

8. وقتی آن حضرت را به مسجد بردند مسلمان نماهای تن پرور و ترسو برای دیدن این منظره فجیع صف کشیده بودند؛ «و اجتمع الناس ینظرون و امتلأت شوارع المدینة بالرجال فصرخت و ولولت». (2)

علی نگاهی به قبر پیامبر کرد و سخن هارون برادر موسی را بیان کرد «یا بن ام ان القوم استضعفونی و کادو ان یقتلوننی». (3)

9. علی را وارد مسجد ساختند. ابوبکر در میان افراد مسلح قرار گرفته بود تا او را حفاظت کنند و عمر با شمشیر برهنه اش در کنار او ایستاده بود. ناگاه امیرالمؤمنین فرمود ای ابوبکر چه زود کینه ات را بر اهل بیت پیامبر آشکار ساختی. مگر تو نبودی که در غدیر خم بیعت کردی، به خدا قسم اگر شمشیر در دستم بود می دانستید که شما هرگز توان چنین جسارت ها را نداشتید. خدا لعنت کند گروهی که با من بیعت

ص: 111

1- . احتجاج ج 1 ص 211

2- . شرح ابن ابی الحدید ج 6 ص 49

3- . بحار الانوار ج 28 ص 220

کردند و مرا تنها گذاشتند؛ «فقال علی ما اسرع ما توثبتم علی اهل بیت نبیکم یا ابابکر بأی حق و بأی میراث و بأی سابقه تحت الناس الی بیعتک الم تبایعنی بالامس بأمر رسول الله». (1)

«و هو یقول اما والله لو وقع سیفی بیدی لعلمتم انکم لن تصلوا الی هذا منی و بالله لا الوم نفسی فی جهد و لو کنت فی اربعین رجلاً لفرقت جماعتکم فلعن الله قوماً بایعونی ثم خذلونی». (2)

10. عمر گفت از این حرف ها دست بردار و گفت ای علی بیعت کن. حضرت فرمود اگر بیعت نکنم چه می شود؟ او گفت تو را می کشیم. حضرت فرمود در این صورت بنده خدا و برادر رسول خدا را کشته اید. عمر گفت بنده خدا آری اما برادر رسول خدا نه. حضرت تا سه بار اقرار گرفت. اجمالاً اینکه حضرت بیعت نکرد، فرمود سوگند به خدا نه حرف تو را می پذیرم و نه بیعت می کنم؛ «والله لا أقبل قولک و لا أبایعه». (3)

11. وقتی حضرت زهرا به هوش آمد از فضا پرسید علی کجاست؟ گفت او را به مسجد بردند. به سرعت خود را رساند و وقتی شوهر خود را با آن وضع رقت بار مشاهده کرد، فریاد زد پسرعمویم را رها کنید. به خدا قسم اگر دست از او برندارید سر خود را برهنه کرده و

ص: 112

1- . بحار الانوار ج 28 ص 270

2- . بحار الانوار ج 28 ص 270

3- . شرح ابن ابی الحدید ج 6 ص 11

پیراهن پیامبر را به سر افکنده و همه شما را نفرین می کنم. به خدا قسم نه من از شتر صالح کم ارج ترم و نه کودکانم از بچه های او کم قدرتر؛ «خَلُّوا ابْنَ عَمِي فَوَ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا لَنْ لَمْ تَخْلَوْا عَنْهُ لِأَنْشُرَنَّ شَعْرِي وَأَضَعَنَّ قَمِيصَ رَسُولِ اللَّهِ عَلِيَّ رَأْسِي وَأَصْرُخَنَّ إِلَى اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فَمَا نَاقَةَ صَالِحٍ بِأَكْرَمِ عَلِيٍّ اللَّهُ مِنِّي وَلَا الْفَصِيلَ بِأَكْرَمِ عَلِيٍّ اللَّهُ مِنْ وَلَدِي» (1).

ناگاه امیرالمؤمنین آثار عذاب را مشاهده کرد و به سلمان فرمود به فاطمه بگو نفرین نکنند. ابوبکر که اوضاع را اینطور دید که نزدیک است هلاک شوند فوراً حضرت علی را رها کرد.

25. شفاعت حضرت فاطمه

شفاعت در قرآن کریم

آیاتی که در قرآن پیرامون مسئله شفاعت بحث می کند در حقیقت به چند دسته تقسیم می شود؛ گروه اول آیاتی است که به طور مطلق شفاعت را نفی می کند، مانند: (أَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَّ يَوْمٌ لَا يَبِيعُ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ وَلَا شَفَاعَةٌ) (2) از آنچه به شما روزی دادیم انفاق کنید پیش از آنکه روزی فرارسد که در آن نه خرید و فروشی است و نه دوستی و نه شفاعت.

ص: 113

1- . بحار الانوار ج 43 ص 47

2- . بقره 254

گروه دوم آیاتی است که «شفیع» را منحصرأ خدا معرفی می کند، مانند: (قُلْ لِلَّهِ الشَّفَاعَةُ جَمِيعاً) (1) بگو تمام شفاعت از آن خداست.

گروه سوم آیاتی است که شفاعت را مشروط به اذن خدا می داند، مانند: (وَلَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ عِنْدَهُ إِلَّا لِمَنْ أَذِنَ لَهُ) (2) هیچ شفاعتی نزد او جز برای کسانی که اذن داده سودی ندارد.

گروه چهارم آیاتی است که شرایطی برای شنونده بیان می کند. گاهی این شرط را گرفتن عهد و پیمان نزد خدا معرفی می کند، مانند: (لَا يَمْلِكُونَ

الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا) (3): آنان هرگز مالک شفاعت نیستند مگر کسی که نزد خداوند رحمان عهد و پیمانی دارد.

گاهی شرط آن را رضایت و خشنودی خدا معرفی می کند: (وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ ارْتَضَى) (4): و آنها جز برای کسی که خدا راضی به شفاعت برای اوست، شفاعت نمی کنند.

گروه پنجم آیاتی است که صلاحیت شفاعت شدن را از بعضی مجرمان سلب می کند، مانند سلب شفاعت از ظالمان که مفهوم آن این است که شفاعت، گروه های دیگر را شامل می شود: (مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ حَمِيمٍ وَلَا شَفِيعٍ يُطَاعُ) (5): برای ستمکاران نه دوستی وجود دارد و نه شفاعت کننده ای که شفاعتش پذیرفته شود.

ص: 114

1- . زمر 44

2- . سبأ 23

3- . مریم 87

4- . انبیاء 28

5- . غافر 18

و به این ترتیب رعایت عهد و پیمان الهی یعنی ایمان و رسیدن به مقام خشنودی پروردگار و پرهیز از ستمکاری جزء شرایط حتمی شفاعت است. [\(1\)](#)

شفاعت در روایات

1. شفیعان درگاه الهی؛

الف. پیامبران؛ قال رسول الله: «یشفع الانبیاء فی کلّ من کان یشهد ان لا اله الا الله مخلصاً»: پیامبران کسانی را که به یگانگی خدا خالصانه گواهی دهند شفاعت می کنند. [\(2\)](#)

ب. امامان و حضرت زهرا؛ قال علی: «لنا شفاعة ولأهل مودّتنا شفاعة»: برای ما امامان و برای دوستان ما شفاعت ثابت است. [\(3\)](#)

ج. قرآن کریم؛ قال علی: «اعلموا انّ القرآن شافع مشفع»: بدانید که قرآن شفاعت کننده ای است که شفاعت او پذیرفته می شود. [\(4\)](#)

د. مؤمنان؛ سئل الصادق عن المؤمن هل یشفع فی اهله؟ قال: «نعم المؤمن یشفع فیشفع»: از امام صادق سؤال شد که آیا مؤمن برای اهل خود شفاعت می کند؟ فرمود آری شفاعت می کند و شفاعتش پذیرفته می شود. [\(5\)](#)

ص: 115

1- . پیام قرآن ج 6 ص 508

2- . مسند احمد ج 1 ص 12

3- . مناقب ج 2 ص 15

4- . نهج البلاغه خطبه 171

5- . محاسن ص 184

ه. همسایگان؛ قال الصادق: «انَّ الجار يشفع جاره»: به درستی که همسایه برای همسایه خودش شفاعت می کند. (1)

و. فرشتگان؛ قال رسول الله: «يشفع التَّيِّبُونَ و الملائكة...»: پیامبران و فرشتگان شفاعت می کنند. (2)

ز. شهیدان دانشمندان؛ قال رسول الله: «يشفع يوم القيامة الانبياء ثم العلماء ثم الشهداء»: در روز قیامت انبیا شفاعت می کنند و پس از آن دانشمندان و پس از آن شهدا. (3)

2. عوامل شفاعت؛

الف. سجده زیاد؛

قال رسول الله: «... فاعنني بكثرة السجود»: شخصی از پیامبر درخواست شفاعت کرد، حضرت فرمود مرا کمک کن به سجده های زیاد. (4)

ب. تلاوت قرآن؛

قال رسول الله: «تعلموا القرآن فإنه شافع لأصحابه يوم القيامة»: قرآن را یاد بگیرید زیرا در قیامت برای اصحاب خود شفاعت می کند. (5)

ج. دوستی فرزندان پیامبر و خدمت به آنان؛

ص: 116

1- . بحار الانوار ج 8 ص 43

2- . صحيح بخارى ج 1 ص 160

3- . سنن ابن ماجه ج 2 ص 1443

4- . مسند احمد ج 3 ص 500

5- . مسند احمد ج 5 ص 251

قال رسول الله: «اربعة انا لهم شفيع يوم القيامة المكرم لذريتي والقاضي لهم حوائجهم والساعي في امورهم عند ما اضطروا اليه والحب لهم بقلبه ولسانه»: چهار گروه را من در قیامت شفاعت می کنم: کسی که به ذریه و فرزندان من اکرام کند و کسی که نیازهای آنها را برآورده کند و در کارهای آنها تلاش کند هنگامی که در سختی هستند و آنها را با قلب و زبان خود دوست بدارد. (1)

3. موانع شفاعت؛

الف. شرك؛ ب. ستم؛ قال رسول الله: «اما شفاعتي ففي اصحاب الكبائر ما خلا اهل الشرك و الظلم»: شفاعت من درباره گناهکاران است غیر از کسانی که اهل شرك و ستم هستند. (2)

ج. عدم اعتقاد به شفاعت؛ قال الرضا: «من كذب بشفاعتي رسول الله لم تنله»: کسی که شفاعت پیامبر را تکذیب کند به شفاعت او نمی رسد. (3)

د. سبک شمردن نماز؛ قال الصادق: «لا ينال شفاعتنا من استخف بالصلوة»: کسی که نماز را سبک بشمارد، به شفاعت ما نمی رسد. (4)

از مجموع احادیث استفاده می شود مقام شفاعت برای انبیا و اولیای الهی یعنی ائمه و اهل بیت و نیز شهدای اسلام و علما و فرشتگان و... محرز و ثابت است.

ص: 117

1- . عيون اخبار الرضا ج 2 ص 24

2- . خصال 355

3- . عيون اخبار الرضا ج 2 ص 66

4- . کافی ج 3 ص 270

فاطمه از زمره اهل بیت و از اولیای الهی و حتی برتر از انبیا می باشد. به همین دلیل اثبات مقام شفاعت برای فاطمه نیاز به دلیل جداگانه ندارد، در عین حال به برخی روایات در مورد شفاعت آن حضرت اشاره می شود.

عن رسول الله: «فأیما امرأة صلت فی الیوم و اللیلة خمس صلوات و صامت شهر رمضان و حجّت بیت الله الحرام و زکّت مالها و اطاعت زوجها و والت علیاً بعدی دخلت الجنة بشفاعه ابنتی فاطمة و أنّها سیده نساء العالمین»؛⁽¹⁾

از رسول خدا نقل شده: هر زنی که پنج وقت نماز خود را بخواند و روزه ماه رمضان را بگیرد و حج واجب بیت الله را انجام دهد و زکات مالش را بپردازد و از شوهر خود اطاعت کند و علی را بعد از من امام و رهبر خویش بداند (زمینه شفاعت را فراهم نماید) به شفاعت دخترم فاطمه وارد بهشت خواهد شد و فاطمه سیده و سرور زنان عالم است.

وعن الباقر عن رسول الله: «اذا كان یوم القیامة فاذا أُنْذِء من قِبل الله (عزوجل) یا حبیبتی و ابنة حبیبتی سلینی تعطی و اشفعی تشفعی»؛⁽²⁾

امام باقر از رسول خدا نقل می کند: وقتی روز قیامت شود، ندا از جانب خدا می رسد که ای فاطمه هرچه درخواست کنی و از هر کس شفاعت نمایی پذیرفته است.

ص: 118

1- . بحار الانوار ج 43 ص 24

2- . بحار الانوار ج 43 ص 119

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتابخانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

